

ورود اشرف پهلوی به آمریکا

وزد و خورد دانشجویان

ایرانی با پلیس

گزارش کامل و مستند در مورد اتهامات چهل و یک نفر از

دانشجویان دختر و پسر ایرانی دستگیر شده

در دادگاه آمریکا

مهندس سید رحمت الله موسوی

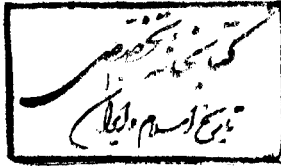
انتشارات آرش

(حق چاپ محفوظ)

بهاء : ۷۵ ریال







پیشگفتار :

جراید و رادیو تلویزیون ایالت متحده آمریکا بویژه ایالت کالیفرنیا ورود اشرف پهلوی را به ایالت متحده برای شرکت در گنجره حقوق بشر اعلان کردند .

اشرف پهلوی خواهر شاه سابق و مخلوع ایران بمناسبت بیست و پنجمین سالروز برگزاری حقوق بشر در ژوئن ۱۹۷۰ وارد ایالت متحده شد از آنجائیکه دانش جویان ایرانی با الاحصای اعضای کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا از اوایل سلطنت پهلوی همیشه در صدد این بودند که اعمال ضد انسانی رژیم منفور شاهنشاهی و اختناق و کشتار جوانان و روشنفکرانی را برملا کنند .

یکبار دیگر بعنوان اعتراض دست بدست هم داده و در مقابل کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو تجمع کردند که منجر به درگیری سخت با پلیس سانفرانسیسکو و اشغال کنسولگری ایران شد که جریان کامل آن از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت و این درگیری از تمام شبکه‌های رادیو تلویزیون سراسر آمریکا پخش شد .

در این کتاب :

خلاصه‌ای از زد و خورد شجاعانه دانشجویان ایرانی در داخل و خارج  
کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو با پلیس و گزارش کامل و مستند از مراسم  
محاکمه افرادی ۴۱ نفر دانشجوی دختر و پسر ایرانی دستگیر شده بمناسبت  
ورود اشرف پهلوی خواهر شاه سابق آمریکا .

در باره مترجم :

مدت ده سال در ایالت متحده آمریکا درحین تحصیل و تحقیق و کار  
مانند سایر دوستان ایرانی مشغول افشاگری رژیم منقرض پهلوی بوده .

اشغال کنسولگری ایران توسط دانشجویان ایرانی در روز ورود اشرف  
پهلوی به آمریکا بطوری پیش آمد که با وجود داشتن فعالیت بر علیه رژیم  
طاغوتی به چنگال پلیس سا نغرا سیسکوبا ساواک نیافتم . در آن زمان خیلی علاقمند  
بودم که جریان کامل این ماجرا بگوش ملت ایران برسد متاسفانه بعلت  
سانسور و اختناق فراوان در آن زمان هیچ کس مایل نبود این جریان کامل  
دادگاه را تهیه و ترجمه نماید و در اختیار عامه ملت ایران قرار دهد تا اینکه  
در اواخر سال ۱۳۵۷ که کم کم سر و صدای در هم ریختن رژیم پهلوی میآمد  
مبادرت به ترجمه متن کامل آن چه در دادگاه بیان شده نمودم تا بتوانم با  
این عمل قدری به فداکاری و فعالیت دانشجویان ایرانی خارج از کشور که  
بنیانگذاران مبارزه با سلسله منقرض پهلوی بودند پرده بر داری نمایم .

مهندس سید رحمت اله موسوی

تهران - فروردین ۱۳۵۸

فهرست شواهد :

WALSH PATRIC	واش - پاتریک
BATE EDWARD	بیت - ادوارد
ALIAKBAR MORTEZA	علی اکبر - مرتضی
KRAMER ROY	کرامر - روی
HOWARD DANIEL	هاوارد - دانیال
LIGOURI LOUIS	لی گاری - لوئیس
WILIAMS KENNETH	ویلیامز - کن نیز
BEATTY ALAN	ب تی - آلن
PHILLIPS ALAN WALLACE	فلیپس - آلن و الاس
DAVIS ROBERT	دیویس - رابرت

مدارک جرم :

۱ - کارت مخصوص که عکس ۴۱ نفر روی آن الصاق و به ترتیب شماره

گذاری شده است .

۲ - پوسترهای رنگی که با A و B و C و D و E نامگذاری شده .

۳ - قاب عکسهای خرد شده .



۴ - سه تا پاسپورت ایرانی .

۵ - کارت‌هایی که عکس چهار نفر روی آنست که با A و B و C و D نامگذاری

شده .

۶ - کیسه پلاستیکی محتوی ۶ عدد پرونده

۷ - دفتر چهایی که یادشتهای آن بزبان فارسی نوشته شده است .

۸ - یک ورقه جدا شده از کلاسور .

۹ - دو ورقه جدا شده از کلاسور .

۱۰ - ترجمه و توضیح در باره شماره‌های ردیف ۸ و ۹ اوراق جدا شده

از کلاسور .

۱۱ - نامه‌ائیکه بنام وحیدی نامیده شده است .

۱۲ کیسه پلاستیکی محتوی یک پرچم

### اسامی چهل و یک نفر از متهمین

۱ عبدالله - افلاکی

۲ احمد - علوی

۳ بهزاد - علوی

۴ کامران - علوی

۵ محمد - علی آبادی

۶ - مشیر - عصارپور

- ۷۔ یدالہ۔ آذریان
- ۸۔ عباس۔ بر خوردار
- ۹۔ فرخ۔ برزین
- ۱۰۔ مینا۔ بصیری
- ۱۱۔ ژالہ۔ بہروزی
- ۱۲۔ عباس۔ بزرگ
- ۱۳۔ محمد۔ داور پناہ
- ۱۴۔ محمد۔ فیاض
- ۱۵۔ ویدا۔ گلریز
- ۱۶۔ مہرداد۔ گشتاسب پور
- ۱۷۔ اکبر۔ حاجریان
- ۱۸۔ علی۔ حجت
- ۱۹۔ ہما۔ حجت
- ۲۰۔ فریدون۔ کسرائی
- ۲۱۔ بہروز۔ مازندرانی
- ۲۲۔ ہاشم۔ مازندرانی
- ۲۳۔ حسین۔ مظلومی
- ۲۴۔ مسعود۔ مصطفوی
- ۲۵۔ ایرج۔ نوید

۲۶۔ سناھیپور۔ نور منصور

۲۷۔ فرامز۔ پاکراد

۲۸۔ فرهاد۔ پرتوی

۲۹۔ فرود۔ پایندہ جو

۳۰۔ ژالہ۔ پیر نظر

۳۱۔ نسرین۔ پیر نظر

۳۲۔ داریوش۔ رفیع نژاد

۳۳۔ کیومرث۔ سابق

۳۴۔ مصطفیٰ۔ صادق

۳۵۔ خدیجہ۔ سیا بہزادی

۳۶۔ پرویز۔ شوکت

۳۷۔ محمد۔ سیادت

۳۸۔ احمد۔ سروری

۳۹۔ علی۔ ظاہری

۴۰۔ علی۔ وحیدی

۴۱۔ جلیل۔ ضرابی

در ساعت ۸:۱۵ دقیقه روز دوشنبه ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۷۰ اتهامات زیر علیه چهل و یک نفر از دانشجویان ایرانی در ایالت کالیفرنیا واقع در شهر سانفرانسیسکو که لیست اسامی آنها در صفحه قبل درج گردیده وارد آمده است.

رئیس هیئت منصفه: هیئت منصفه برای رسیدگی به اتهامات وارده از بندهای

۱۸۲ قانون کیفری ایالت کالیفرنیا بشرح ذیل تشکیل شده:

۱- توطئه و تجاوز طبق ماده ۴۵۹ از قانون کیفری ایالت کالیفرنیا

۲- دستبرد - طبق ماده ۲۳۷ از قانون کیفری ایالت کالیفرنیا

۳- توقیف غیر قانونی بوسیله فریب دادن -

طبق ماده ۵۹۴ از قانون کیفری ایالت کالیفرنیا

۴- آشوب کینه جویانه - طبق ماده ۴۵۹ از قانون کیفری ایالت

کالیفرنیا

۵- تهدید و زور - طبق ماده ۲۴۵ از قانون کیفری ایالت کالیفرنیا

۶- حمله به پلیس - طبق ماده ۵۹۴ از قانون کیفری ایالت کالیفرنیا

رئیس هیئت منصفه: من در این دادگاه در خدمت هیئت منصفه هستم و با

کمال میل آماده‌گی خود را برای پاسخ به نظریات و سئوالات

شما در این مورد اعلام میدارم و امیدوارم موضوع اتهامات وارده برای شما واضح و روشن گردد بطوریکه شما بدون تعصب و غرض و بی طرفانه نسبت به وضع کنونی آنها چه از نظر ملیت و چه از نظر شخصیت و حقوق ذاتی و حقانی نظر بدهید .

رئیس هیئت منصفه : آقای دایر ( DWYER ) حال اجازه میفرمائید اولین

شاهد بدادگاه معرفی شود؟

ج : خواهش میکنم بفرمائید .

پاتریک والش \* این شخص بعنوان شاهد بدادگاه معرفی شد و روی صندلی مخصوص قرار گرفت و از چهره اش معلوم بود که آماده است به سئوالات باز پرسان و دادگاه و رئیس هیئت منصفه پاسخ گوید .

دادگاه : این شخص از این به بعد بعنوان شاهد نامیده میشود .

رئیس هیئت منصفه : آقای والش خواهش میکنم بایستید و دست راست خود را بلند کنید و سوگند یاد کنید که :

شما بطور جدی و رسمی کلیه مدارکی که برای این دادگاه تهیه نموده‌اید

و هم اکنون در اختیار دادگاه قرار گرفته است کاملاً صحیح و

درست و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نیست بنا بر این خداوند

---

\* پاتریک والش ( PATRIC WALSH ) تکسین انگشت نگاری اداره پلیس

سانفرانسیسکو

مرا یاری کند .

شاهد : بلد سوگند یاد میکنم که کلیه مدارک کاملا صحیح و درست است امید  
وارم که خداوند مرا یاری کند .

رئیس هئیت منصفه : خواهش میکنم بفرمائید در کنار آن میزی به نشیند که  
میکرفون جلوی شما باشد .

در اینجا باز پرسى بوسیله آقای دایر ( DAWYER ) شروع شد و سؤال اول  
مطرح شد :

س : خواهش میکنم نام و نام خانوادگی خود را برای درج مجدد در پرونده  
بفرمائید ؟

ج : پاتریک والس .

س : آقای والس بفرمائید سئل شما چیست ؟

ج : من یک تکنسین انگست نگاری اداره پلیس سانفرانسیسکو هستم .

س : چدمدتی است که شما در این شغل بخصوص مشغول انجام وظیفه  
میباشید ؟

ج : ۲۳ سال .

س : خب : آقای والس با توجه به وظیفه تان آیا شما رسیدگی به یک کارت  
بزرگ سفید که عکس چهل و یک نفر از دانشجویان ایرانی در آن نصب

شده است مورد بررسی و آزمایش قرار داده‌اید ؟

ج : بله ، انجام داده‌ام

س : آیا تحقیق و رسیدگی باین عکسها را که مربوط به قسمتی از وظائف شما میباشد امروز انجام داده‌اید؟

ج : بله ،

آقای دایر : اجازه بفرمائید این کارت سعیدی که عکس چهل و یک است

دانشجوی دختر و پسر ایرانی روی آن می باشد از این به بعد

در پرونده دادگاه سام مدرک شماره یک نامیده شود توضیح اینکد

در مراسم بعدی دادگاه و در صحبت های آینده با ذکر مدرک

شماره یک توجهتان به عکسهای چهل و یک نفر متوجه خواهد شد .

آقای دانش : بله من تمام عکسهای این چهل و یک نفر را که روی کارت سفید

رنگ بزرگی نصب شده است بررسی کرده‌ام و بر اساس درجه

بندی مرتب بترتیب حروف الف با علامت گزاری شده و بعنوان

مدرک شماره یک که قبلا هم متذکر شده بودم نامیده شده است .

آقای دایر : آقای والش با توجه به وظیفهتان در اداره تشخیص هویت جنائی

آیا شما با تحقیقات و چک کردن سوابق جنائی افراد که مربوط به کارهای

جنائی میشود اسامی ۲۶ نفر از این افراد را که عکسهایشان را در اختیار

دارید بترتیب الف بای انگلیسی که با حرف A شروع شده و با Z ختم میشود

و ۱۵ نفر باقیمانده دیگر را با حروف " AA " شروع شده و به " OO " ختم

میشود چک کرده‌اید؟

آقای والش : بله ، چک کرده‌ام .

س : آیا شما میتوانید بگوئید عکسهائی که در اختیار شماست آنها دارای نام و شماره میباشند که نام هر شخص در زیر عکس و شماره ردیف در روی هر عکس میباشد این نام و شماره ها با نام و شماره های پرونده های موجود در اداره پلیس سانفراسیسکو یکی است یا خیر؟

س : آیا شما میتوانید بگوئید که این پرونده مانند سایر پرونده های دیگر در اداره پلیس سانفراسیسکو نگهداری میشود؟

ج : این پرونده ها طبعاً مانند سایر پرونده ها نگهداری میشود .

آقای دایر : بسیار خب ، متشکرم . سئوالات دیگری ندارم

رئیس هیئت منصفه : آقای والش خیلی از شما متشکرم

ادوارد بیت : ( EDWARD-BATE ) بعنوان دومین شاهد نام برده شد

خواهش میکنم دست راستتان را برای ادای سوگند بالا بگیرید

و بطور جدی و وجدانی سوگند یاد کنید مدارکی که شما ارائه

خواهید داد و فعلاً در دست دادگاه میباشد تمام و کمال صحیح

و درست و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نمی باشد ، با توکل بخدا .

رئیس هیئت منصفه : خواهش میکنم در کنار آن میز به نشینید که مجهز به

میکروفون است که صدای شما به تمام نقاط دادگاه برسد .

در اینجا باز پرسى بوسیله آقای دایر ( DWYER ) انجام میگردد :

س : لطفا نام و نام خانوادگی خود را بفرمائید و نام خانوادگی خود را



هجی نمائید .

ج : ادوارد - بیت که هجی آن ب - ی - ت میباشد

س : آقای بیت شغل شما چیست ؟

ج : من متصدی و مدیر تولید میباشم .

س : چه کسی معرف شما بوده و چه شخصی شما را استخدام کرده است ؟

ج : موسسه پاسنی ( PASZEGHI )

س : آیا ممکن است پاسنی را هجی کنید ؟

ج : پ - ا - س - غ - ی

س : آقای بیت من توجه شما را بتاريخ ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ جلب میکنم آیا

میتوانید بگوئید در آن تاریخ در چه محل بخصوصی مشغول بکار بودید ؟

ج : در قسمت تجاری طبقه زیر زمین

س : در کدام ساختمان و چه محلی ؟

ج : در کنسولگری ایران واقع در خیابان واشنگتن شماره ۳۴۰۰

س : آیا این ساختمان در شهر و استان سانفرانسیسکو واقع شده است ؟

ج : بله ، این ساختمان در شهر سانفرانسیسکو واقع شده است .

س : آیا میتوانید بگوئید در چه ساعتی از آن روز وارد آن ساختمان

شدید ؟

ج : متوجه سؤال شما نشدم لطفا تکرار فرمائید .

س : بفرمائید در آن تاریخ ساعت چند بود که وارد آن محل شدید ؟

ج : متوجه شدم که یک نفر مشغول قطع کردن تلن میباشد .

س : آیا شما چیزی درباره آن شخص که داشت تلن را قطع میکرد میدانید؟

ج : بله . از آنجائیکه من مدیر و مسئول نو سازی داخل ساختمان بودم

تمام کار گران را خوب میشناختم و با نحوه قطع

بوسیله آن شخص آنهم با یک نوع وسیله برنده که بنام چاقوی

صافکاری میباشد بعید میرسد که یک مهندس ماهر تعمیر تلن باشد

و مرتکب چنین کاری شود .

س : آیا آن شخص بود که چنین کاری را کرد؟

ج : بله ، ایشان از آن چاقوی صافکاری بجای پیچ گوشتی استفاده میکرد .

س : بسیار خوب . بنظر شما آن چاقوی صافکاری متعلق به چه شخصی بود؟

ج : این چاقو از آن من بوده و من در کارم از آن استفاده میکردم و جزو ابزار کار بوده است

س : بسیار خوب آیا شما چیزی هم بآن شخص گفتید و قتیکه او را دیدید؟

ج : بله ، از او سؤال کردم آنجا چکار میکردی؟

س : در آنموقع او چه جوابی در پاسخ سؤال شما داد؟

ج : او فقط مطلبی را بیان کرد که کلمه تلن درش مستطر بود بعد هم

گفت غمش را نخور .

س: آیا شما جوابی دیگر به او دادید؟

ج: بله ، سعی کردم که او را از این کار منع کنم

س: خیلی خب بعدش چه شد؟

ج: ناکهان دیدم مرا از عقب کشیدند

س: شما دیدید چه اسلحه‌ای برداشت؟

ج: بله

س: بسیار خب وقتی آنها شما را از عقب کشیدند و از آنجا بیرون

کردند بعدش چه عکس‌العملی از خود نشان دادید؟

ج: بلند شدم و شنیدم که صدای آشوب و شلوغی در دفتر اصلی برپا

است بلافاصله با آنجا رفتم به بینم چه خبر است .

س: آقای بیت ، میتوانید آن کارت را از آنجا به بنیید؟

( منظورش همان کارت سفید رنگی بوده که عکسهای ۴۱ نفر روی آن

نصب شده بود )

ج: بله میتوانم به بینم

س: بسیار خب . آیا میتوانید عکس آن شخصی که بر سر تلفن قطع کردن

با شما درگیر بود به من نشان دهید؟

ج: بله ، عکسی که با حرف "D" نشان داده میشود همان شخصی است که

داشت تلفن را قطع میکرد .

س: حرف "D"؟

ج: بله حرف "D" - او تلفن را قطع کرد.

س: بسیار خب، آیا کسانی دیگر را هم میتوانید به ببینند که در این ماجرا

سهیم بودند؟

ج: بله، او،، بله، او هم بود ( او بعکس دیگری اشاره کرد )

س: حرف "F"؟

ج: بله حرف "F" و هم چنین حرف "L" ( منظورش عکسی بود که

با حروف F و L نامگذاری شده بود . )

آقای دایر: بسیار خب بطوریکه مدارک نشان میدهند شخصی که عکس او

با حرف "D" نامگذاری شده بنام جلیل ضرابی و حرف "F"

بنام مشیر آسپورو حرف "L" بنام داریوش رفیع نژاد است.

س: آیا کسانی دیگر هم بودند؟

ج: به شخص دیگری اشاره کرد .

س: منظورتان حرف "P" محسن سیادت است؟

ج: بله او از در وارد شد .

س: بسیار خب، آقای بیت وقتی آن محل بخصوص را ترک کردید آیا

کاری دیگر انجام دادید؟

ج: من مستقیماً رفتم بطرف دفتر کار خانمها که به بینم خانمهای کارمند

در چه حالند، دیدم آنها هم در نارحتی و هیجان میباشند .

س: بسیار خوب، آیا میتوانید به من بگوئید در چه طبقهائی بودید که این اتفاق افتاد؟

ج: در طبقه زیر زمین، قبلا هم که گفته بودم و شما هم مطلع هستید.

س: طبقه پائین منظورتان است؟

ج: بله، طبقه زیر هم کف

س: بسیار خوب، آن محوطه برای چه کاری مورد استفاده است؟

ج: ادارجات و دفاتر کار و شرکت های خصوصی

س: بسیار خوب، آیا آن محل همانجائی است که شما بمناسبت کارتتان

مشغول انجام وظیفه در مؤسسه پاسفی بودید؟

ج: بله

س: بسیار خوب، شما آن اطاقی را ترک کردید که دانشجویی در آنجا

مشغول قطع کردن تلفن بود و بعد بطرف اطاق سکرترها رفتید،

آیا صحیح است؟

ج: بله آنجا اطاق منشیها بود.

س: بسیار خوب، بعد چه شد؟ آیا شما وقتی که وارد آن اطاق شدید

چیزی دیدید؟

ج: بله در حدود ۳۰ تا ۴۰ شاید در حدود ۵۰ نفر در آن اطاق بودند

در این اثناء یکی از آنها پرید و قاب عکس را از دیوار کند و محکم

بزمین زد و خرد کرد.

س: بسیار خب آیا عکس آن شخص را در اینجا می بینید؟

ج: بله، با حرف "C" نشان داده شده است

آقای دایر: این شخص بنا بمدرک موجود که هویتشان معلوم شده است  
آقای فرود پاینده جو میباشد .

س: بسیار خب آیا شما با این عکس که با حرف "C" نمایش داده  
شده بحثی کردید؟

ج: بله با وگفتم برای چه این قاب عکس را خرد میکنی ؟ در این موقع  
یکنفری که پهلوی من ایستاده بود با صدای کلفت و اهانت باری  
گفت خفه شو وگرنه خود تو هم خرد خواهی شد .

س: آیا در آن موقع شما شاهد کار دیگری بودید که از جانب او سر بزند؟  
ج: بله او تمام قاب عکسها را پائین آورد و خرد کرد و بجایش پوسترهایی  
بدیوار زد .

س: از چه چیزی برای زدن پوستر استفاده کرد؟

ج: با پونز

س: آیا یادتان است پوسترها چه رنگی داشتند؟

ج: قرمز

س: بسیرا خب آیا چیز بخصوص دیگری هم بعد از ترک کردن آن  
محوطه منظورم همان طبقه زیر زمین که دفاتر کار در آنجاست  
دیدید؟

ج: بله،

س: بعد از آنجا کجا رفتید؟

ج: شروع کردم از پله‌ها بالا رفتن ..... نه .... اول از همه رفتم

در پشت ساختمان شاید بتوانم بوسیله تلفن با پلیس تماس بگیرم.

س: در آنجا کسی را دیدید؟

ج: بله،

س: میتوانید بگوئید آن اسخا در آنجا چه کار میکردند؟

ج: آنها قبلا درب عقب ساختمان را تصرف کرده و ماشین رختشوئی

را پشت آن گذاشته و مانع عبور و مرور شده بودند.

س: آیا میتوانید نشان بدهید چه افرادی در آن محوطه بخصوص مشغول

این کار بودند؟

ج: او ..... و ..... او ( با دست به عکسها اشاره میکرد )

س: آن شخص با حرف "F" نشان داده شده منظورتان موشر آشپور؟

ج: حرف "P"

س: حرف "P" محمد سیادت؟

ج: و هم چنین حرف "D" جلیل ضرابی

س: بسیار خوب آیا شما چیز دیگری هم دیدید وقتی آنها مشغول گذاشتن

ماشین رختشوئی پشت درب خروج بودند؟ آیا این تنها درب خروج

اضطراری است؟

- ج: بله
- س: بسیار خب شما مشاهده نمودید که اینها داشتند این درب خروجی اضطراری را می بستند آیا صحیح است؟
- ج: اوه . . . . . اوه . . . . . بله
- س: بعد از اینکه شما دید آنها درب خروج را بستند چه شد و شما چکار کردید؟
- ج: من سعی کردم که ماشین رختشوئی را از پشت در کنار بزنم .
- س: بسیر خب آیا در آنموقع آنها چیزی به شما گفتند؟
- ج: آنها مرا عقب کشیدند .
- س: آنها ترا عقب کشیدند؟
- ج: آنها بهم گفتند که سرت توی کار خودت باشد منظورشان این بود که بتو مربوط نیست .
- س: آیا شما سعی کردید که از آن محوطه دور شوید؟
- ج: بله من سعی کردم که از در خارج شوم .
- س: بسیار خب آیا کسی جلوی خروج شما را گرفت؟
- ج: بله ، یک نفر مرا کشید و یک نفر ایستاد جلوی من بعبارت دیگر مرا باین طرف و آن طرف هل دادند .
- س: آیا شما سعی کردید که از دربهای خروج دیگر آن طبقه خارج شوید؟
- ج: بله من رفتم طبقه بالا که به بینم برای خانواده سرکنسول ایران



اتفاقی نیافتاده باشد .

س: بسیار خوب آیا واقعا شما بطبقه بالا رفتید و یاسعی کردید که بروید؟

ج: من تقریبا نصف راه را رفتم و بقیه راه را جلوگیری کردند که من

بالا تر نرم

س: وقتی شما میگوئید جلویینان را گرفتند منظورن کارمندان کنسولگری

میباشند

ج: نه نه ..... دانشجویان

س: آیا آنها دانشجویان ایرانی بودند؟

ج: بله

س: پس این گروه مردم که بین ۳۰ تا ۴۰ بلکه تا ۵۰ نفر گفته بودید آنها

دانشجویان بوده اند؟

ج: بله ، ممکن است کمتر یا بیشتر بوده اند ولی از آنجائیکه باین طرف

و آنطرف حرکت میکردند نمی شد آنها را شمارش دقیق کرد .

س: آیا فکر میکنید که آنها کارمندان کنسولگری بودند؟

ج: نه نه - تمام دانشجویان بودند

س: وقتی شما در ساعت ۷:۳۰ صبح وارد کنسولگری شدید در آنموقع

آیا هیچ کدام از این افراد را آنجا دیدید؟

ج: نه

س: آیا در آنموقع صبح زمان ورود شما به طبقه زیر زمین کسی دیگر

هم در آنجا بود؟

ج: بله

س: بسیار خوب، میتوانید شما بگوئید آنها چکار میکردند؟ و شما چه

بچشم خودتان دیدید؟

ج: البته آنها مشغول بیرون آوردن پرونده‌ها از توی بایگانی‌هایش بودند

و تعدادی از آنها را زیر بغلشان زده بودند.

س: بسیار خوب. آیا عکسهای آنها را روی این کارت می‌بینید؟

ج: بله، ایشان (در حال نشان دادن بحرف "D" که بنام جلیل

ضرابی است) میگفت یکی دیگر هم بود.

س: آیا شما دیدید کسی از درب اضطراری یخ‌و‌ص‌و‌ارد یا خارج شود؟

ج: بله.

س: بسیار خوب، آیا میتوانید او را با اشاره به عکسها به من نشان دهید؟

ج: فکر میکنم این شخص بود (شخصی را نشان داد که درست بیرون

میرفت) زیاد هم مطمئن نیستم و دقیقاً هم نمیتوانم بگویم که

صدا در صد او بود.

س: بسیار خوب، اجازه بدهید به بینم از روی پرونده این شخص کیست؟

شما به عکسی اشاره کرده‌اید که با حرف "U" ثبت شده است بنام

شاهپور نور منصوری با این توصیف آیا در آن‌موقع شما دیدید

پلیس‌ها وارد آن ساختمان شوند؟

ج: بله .

س: بسیار خب ، میتوانید توضیح دهید در ابتدا چه دیدید؟

ج: من دیدم پلیسی سرش را پائین انداخته و هم چنان از پلمهائین

میآید .

س: آیا کسی همراه او بود؟

ج: بله .

س: بسیار خب ، چند نفر همراه او بود؟

ج: یک نفر همراه او بود .

س: میتوانید عکس آن شخص را از روی این عکسهای موجود نشان دهید؟

ج: بله ایشان به عکسی اشاره کردند که با حرف "Q" نمایش داده

شده و بنام آقای علی طاهری بود .

س: آیا شما شخصا دیدید این شخص بخصوص که بنام علی طاهری می

باشد با پلیس در حال زد و خورد بود؟

ج: نه ، ولی دیدم که ایشان پلیس را نگاهداشته بودند .

س: آیا موقعیت ایجاب میکرد که از اول تا آخر جریان مواظب ایشان

باشید؟

ج: البته نه تمام وقت تا اینکه پلیس دیگری داخل شد .

س: بسیار خب ، در این موقع آقای دایراز دادگاه خواست که آقای

بیت آن ۶ عکس رنگی که با شماره های A و B و C و D و E و F

نشان داده شده است، از این پس این عکسها را مدرک شماره ۲  
نامیده و در اختیار دادگاه قرار دهند.

قای بیت: من این عکسها را به شما نشان میدهم بسته به میل تان که  
نگاه کنید یا خیر.

ج: لبخند؟

س: آیا آن عکسها و مناظر را که شما بزرگ کرده‌اید به چشمتان آشنا  
میباشد؟

ج: بله تمام آنها را میشناسم.

س: آیا میتوانید بگوئید از چه محلی در سانفراسیسکو این عکسها گرفته  
شده است؟

ج: شماره ۳۴۰۰ از مقابل کنسولگری ایران واقع در خیابان واشنگتن.  
آقای دایر:

س: آیا ممکن است از شما بخواهم که این عکسها را یکی یکی بازرسی  
کرده و بفرمائید که این عکسها از همان مناظر مورد بحث در آنموقع  
گرفته شده است یا خیر؟

ج: بله،

س: بسیار خب. آیا شما از وضع ساختمان کنسولگری در صبح روز ۲۶ ژوئن  
آگاه بودید؟

ج: بله من آگاه بودم.

س: آیا خسارات و خرابی‌هائیکه در این عکسها مشاهده میگردد در آن  
موقع هم وجود داشت یا خیر؟

ج: خیر، هیچ کدامشان.

س: بسیار خب، به عکس شماره A-۲ توجه کنید میتوانید بگوئید در  
کجا و در چه محلی از ساختمان کنسوکری این عکس ویژه گرفته شده  
است؟

ج: بله. اشاره میکنید به در اصلی ساختمان و محلی که از آن قسمت  
بداخل ساختمان وارد میشوند. سپس اطاق ناهار خوری و پله هائیکه  
به آشپزخانه و اتاقهای کار که بطبقهٔ زیر زمین متصل میشود.

س: بسیار خب بعد از اینکه دانشجویان دستگیر شدند آیا شما چیزی  
نظیر اشعار روی دیوار که با رنگ نوشته شده باشد دیدید؟

ج: بله،

س: توجه، شمارا به مدرک شماره B-۲ که عکس دیگری میباشد جلب میکنم.

ج: بله

س: آیا میتوانید بگوئید در چه محلی از ساختمان این عکس B-۲ گرفته  
شده است؟

ج: در این عکس پله‌هایی را می‌بینم که از در ورودی وارد می‌شویم و  
بطرف اتاقهای کار طبقه پائین می‌رویم.

س: منظورتان اینستکه این پله‌ها به زیر زمین می‌رود؟

ج: بله، به محوطه دفاتر کار زیر متصل میشود.

س: بسیار خوب، آیا شما میتوانید بگوئید آن شعارهائیکه روی دیوار اتاقهای کنسولگری نوشته شده بود. تماشان در همان زمان دستگیری دانشجویان نوشته شده است؟

ج: بله تماشان در همان موقع که آنجا بودند نوشته شده است.

س: بسیار خوب، من قاب عکسی را که با شماره C-۲ نشان داده شده است به شما نشان میدهم آیا شما میتوانید بگوئید آن مقدار خسارتی که وارد شده بوسیله دانشجویانی انجام گرفته است که در آنموقع در داخل ساختمان بودند؟

ج: بله تمام در آنموقع انجام گرفته است.

س: قاب عکسی که با شماره C-۲ نشان داده شد آیا همان قاب عکسی است که روی کف اطاق خرد شده است؟

ج: بله، این همان عکسی است که روی کف اتاق خرد شده است.

س: آیا میتوانید به من بگوئید این قاب عکسها در آنموقع خسارت دیده است که دانشجویان ساختمان کنسولگری را اشغال کردند؟

ج: بله، من دیدم که آنها مشغول خرد کردن آن هستند و این همان قاب عکسی است که در اتاق بزرگ کنسولگری نصب شده بود.

س: آیا مطمئن هستید که آنها اینرا خرد میکردند؟

ج: بله مطمئن هستم، چون این قاب عکس در اطاقی نصب شده بود

که تمام سکرترها در آن میباشند .

س: آیا شما قبلا آن شخصی که این قاب عکس را در اتاق بزرگ کنسولگری

خرد کرده بود بدادگاه معرفی کرده بودید؟

ج: بله معرفی کرده بودم .

س: بسیار خوب ، مدرک یا عکسی که با شماره D-۲ نامگذاری شده

است به شما نشان میدهم ، میتوانید بگوئید چه قسمتی از ساختمان

در آن عکس دیده میشود؟

ج: بله ، آن جا پله‌هایی است که به طرف اتاق نشیمن منزل سرکنسول

میروود این قسمت اصلی محل زندگی خانواده سرکنسول میباشد .

س: حال عکس شماره E-۲ را به شما نشان میدهم . آیا شما میتوانید

بفرمائید که کارگران ساختمان در این عکس دیده میشود؟

ج: بله . اینجا محل کار سکرترها میباشد که بزرگترین قسمت ساختمان

است .

س: بسیار خوب آیا شما میتوانید بگوئید هر چه در مدرک شماره E-۲

دیده میشود مانند شعار یا شعارهایی که روی دیواراتاق بزرگ

کنسولگری نوشته شده میباشد و هم چنین پوسترهائیکه با پونز

روی دیوار آن نصب شده تمام در زمان اشغال کنسولگری انجام

گرفته که دانشجویان بآن محوطه حمله کرده‌اند؟

ج: بله ، تمام در موقع ورود دانشجویان باین محوطه انجام گرفته است .

س: بسیار خب حال اجازه بدهید ، مدرک دیگری که عکسی است با F-۲ نمایش داده شده به شما نشان میدهم سپس بفرمائید کجای

از ساختمان کنسولگری را در این عکس مشاهده میکنید؟

ج: اینجا محل در ورودی ساختمان میباشد که وارد حال میشود .

س: بسیار خب حال بفرمائید که شعارهائیکه در این قسمت از کنسولگری

روی دیوار نوشته شده است تمام در موقع حمله؟ دانشجویان باین

مکان صورت گرفته است ؟

ج: بله ، تمام شعارهای روی دیوار در موقع هجوم دانشجویان باین

مکان نوشته است .

س: آیا قبل از آنکه آنها وارد ساختمان شوند شما با ساختمان آشنائی

داشتید؟

ج: البته خیلی هم خوب آشنائی داشتم .

س: بسیار خب بنا بر این شما میفرمائید که هیچکدام از این خسارتهای

که در این ساختمان دیده میشود قبل از حمله دانشجویان این

مکان وجود نداشته است؟

ج: مطلقا خیر ، برای اینکه هفته پیش تمان نقاط کنسولگری را رنگ و

نقاشی کرده بودند .

س: بسیار خب ، در آنموقع که شما بطرف اتاق بزرگ و اصلی ساختمان

کنسولگری رفتید که اینجا هم نشان میدهد ( در عکس و مدرک



E- ۲) که یا هیچ یک از سکرترها را در آنجا دیدید؟

ج: بله، تمام دخترها آن جا بودند ( سکرترها )  
س: بسیار خب میتوانید به من بگوئید که آنها در چه حال ووضعی بودند؟

ج: آنها بی اندازه هیجان زده و از ترس میلرزیدند .  
س: شما میفرمائید که آنها بی اندازه ترسیده و هیجان زده بودند  
بفرمائید در آنموقع چکار میکردند؟

ج: تمام از ترس سر میزهایشان نشسته بودند .

س: تمامشان ؟

ج: بله تمامشان

س: آیا در آنموقع دانشجویی هم با آنها بود .؟

ج: دانشجویان در اطراف هر میز گرد آمده بودند .

س: آیا شما هرگز دیدید که یکی از این سکرترها در آنموقع حساس

مبادرت به تلفن زدن کند؟

ج: یک نفر از سکرترها سعی کرد ولی . . . . .

س: آیا شما دیدید که اتفاقی برای او پیش بیآید؟

ج: بله تلفن را از دستش بیرون کشیدند .

س: آیا شما دیدید که بعضی از سکرترها از جایشان تکان بخورند و

یا قصدانجام کاری را داشته باشند؟

ج: نه، هرگز چنین چیزی را ندیدم.

س: آیا ممکن است بگوئید که کسی از آنها در آنموقع گریه میکرد؟

ج: دو نفر از آنها مشغول گریه کردن بودند.

آقای دایر: لطفا توجه دادگاه را به مدرک دیگری که یک پورتره است و

بوسیله دانشجویان از وسط پاره شده است جلب میکنم این مدرک

بشماره ۳ \* نامگذاری شده است.

س: آقای بیت متشکر خواهم شد چنانچه یک نگاهی باین مدرک شماره

۳ بفرمائید؟

ج: اطاعت میشود

س: آیا ممکن است بمن بفرمائید که تاکنون آن پورتره بخصوص را دیده‌اید؟

ج: بله، آن بدیوار سالن نصب شده بود.

س: سالن کاملا پشت این دیوار است که بعد از آن به پهنای همین

اتاق ناهار خوری است.

س: سالن در چه طبقه‌ای قرار دارد؟

ج: در قسمت در ورودی اصلی واقع در طبقه اول

س: آیا شما با این پرونده آشنائی دارید و قبل از اشغال کنسولگری آنها

---

\* مدرک شماره ۳ یک عکس نقاشی شده از شاه است که از این به بعد بنام

پورتره نام برده شده

را دیده بودید؟

ج: بله دیده بودم.

س: قبل از اینکه چهل و یک نفر ساختمان کنسولگری را اشغال کنند؟

ج: بله.

س: بسیار خب پورتره در آنموقع در چه شرایطی بود؟

ج: محققا " در آنموقع در این شرایط بد نبود.

س: بسیار خب. پس آن پورتره در شرایطی خوب بود؟

ج: بله. روی دیوار سالن نصب بود.

س: آیا شما این پورتره را مجددا " بعد از دستگیری آن چهل و یک نفر

دانشجو دیدید؟

ج: بله.

س: ممکن است بفرومائید در آنموقع آن پرونده در چه شرایطی بود؟

ج: تمام خرد و پاره شده روی زمین بود.

آقای دایر.

س: در آنموقع که این پورتره در طبقه اول سالن کنسولگری بود آیا مانند

سایر پورتره ها با قاب بدیوار بود؟

ج: بله.

س: بعد از اینکه چهل و یک نفر دانشجو دستگیر شدند آیا آن عکس هنوز

هم در قاب بود؟

ج: خیر در قاب نبود.

س: بسیار خب آقای بیت، حال اگر میتوانید بگوئید که طبقه اول کنسول

گری دارای چه اتاقهایی میباشد؟

ج: محل ورود به ساختمان. اتاق ناهارخوری، اتاق صبحانه، آشپزخانه،

اتاق مستخدم، و یک سالن کوچک.

س: طبقه زیر زمین مرکب از چه جاهائی میباشد؟

ج: اتاق بزرگ سکرتر، یک اتاق کوچک سکرترها، و ۳ دفتر کار کنسول یار

وچندین اتاق دیگر که مورد استفاده سکرترها خواهد بود.

س: آیا شما میدانید که این ساختمان دارای طبقات دیگری هم هست؟

ج: بله.

س: چه چیزهایی در طبقه فوقانی ساختمان میباشد؟

ج: در طبقه فوقانی محل زندگی خانواده سر کنسول میباشد.

س: بسیار خب چه کسانی در آنجا زندگی میکنند

ج: خانواده سر کنسول

آقای دایر: بطوریکه مدارک موجود در دادگاه نشان میدهد یک کیسه پلا

ستیکی محتوی سه تا پاسپورت ایرانی که در اختیار دادگاه است و این

کیسه پلاستیکی را مدرک شماره ۴ نامیده شده است.

س: آقای بیت مدرک شماره ۴ را به شما نشان دادم — میتوانید به من

بگوئید آیا تا بحال پاسپورتهائی نظیر آن پاسپورتهای بخصوص مورد

بحث دیده بودید؟

ج: بله، در محلی که آنها را پیدا کردم

س: بسیار خوب. میتوانید بگوئید چطور شرایطی پیش آمد که شما این یا

سپورت‌ها را پیدا کردید؟

ج: من آنها را در پشت مقداری از مصالح ساختمانی پیدا کردم.

آقای دایر.

س: آیا پاسپورت‌ها در محوطه‌ای پیدا شدند که شما و همکارانتان بطور معمول

در آنجا کار میکردید؟

ج: بله.

س: چطور شد که شما یکمرتبه متوجه اشیاء پشت آن مصالح ساختمانی

شدید؟

ج: یکی از پلیسها گفت من دیدم یک چیزی بآن گوشه پرت شد.

س: آیا شما خودتان چیزی دیدید که به بیرون پرتاب شود؟

ج: نه در واقع من خودم چیزی را ندیدم.

س: آیا شما کسی را در اطراف حوه دیدید وقتی پلیس با شما صحبت

می‌کرد؟

ج: بله.

س: آیا میتوانید به من بگوئید مدارکی که با B به من نشان داده شده

است بنام آقای هاشم مازندرانی میباشد؟

ج: بله

س: آیا میتوانید بهمن بگوئید وقتی که پاسپورتها به بیرون پرتاب شدند

آقای مازندرانی را در آنجا دیدید؟

ج: بله، ایشان آخرین نفری بودند که محوطه را ترک کردند.

س: آیا شما افراد دیگری را هم در آنجا دیدید که بتوانید از روی این

عکسهای موجود شناسائی کنید؟

ج: بله ایشان اشاره به حرف "F" کردند که عکس آقای مشیر عصار پور بود،

وهم چنین حرف "H" که خانم زاله بهروزی بود، ویک نفر دیگر که با

حرف "E" نشان داده بود بنام آقای محمد علی آبادی که بنام

مستعار مو - علی آبادی معروف بود.

س: آقای حسین مظلومی را هم در آن محوطه دیدماند آیا شما ایشان را

بجا میآوردید؟

ج: ایشان قبل از اینکه پلیس وارد شود بطرف اتاق کار سکرتر هارفت

بسیار خب خواهش میکنم دادگاه به مدارک دیگری که چهار عکس سفید

وسپاه میباشد وروی یک کارت نصب شده وبا حرفهای A و B و C و D و

شماره گذاری شده توجه فرمایند وتمام آن مدارک شماره ۵ نامیده

میشود.

س: آقای بیت حرف "C" از مدرک شماره ۵ که بشما نشان دادم بنظر

میرسد که عکس محوطه حیاط باشد و اینطور دیده میشود که تعداد

زبادی از پرونده‌های کنسولگری در یک محلی در حیاط مدفون شده  
است . آیا اتفاقی پیش آمد که شما متوجه این فایل‌ها شدید؟

ج: بله ، یکی از همکاران من متوجه این موضوع شد .

س: آیا میتوانید به من بگوئید این عکس که از آن جا گرفته شده است  
میتوانید دقیقا " باز گو کننده گفتار شما باشد؟

ج: بله ، این عکس دقیقا " از محل گرفته شده است که پرونده ها از آن  
نقطه پیدا شده است .

س: بسیار خب خیلی متشکرم ، میتوانید بگوئید تقریبا " در چه تاریخی  
آن پرونده ها پیدا شد؟

ج: دقیقا " نمیتوانم بگویم ولی میدانم که دو روز بعد از آن جریان اغتشاش  
وحمله به سفارت ایران اتفاق افتاد .

س: ممکن است یکی از آن دو سه روز باشد که در هفته کار میکردید چهار  
شنبه ، پنج شنبه یا جمعه؟

ج: صبر کنید به بینم - من سه هفته بود که مرتب هفت روز در هفته کار  
میکردم و روزها از دستم در رفته ولی فکر میکنم که روز جمعه بود  
بخاطر اینکه این شخص در آن روز بسر کار آمد .

س: بسیار خب پس سوم ژوئیه ۱۹۷۰ ؟

ج: بله ، او در آن روز جمعه صبح با من کار میکرد .

آقای دایر: باستحضار دادگاه میرساند یک کیسه پلاستیکی محتوی ۶ تا

کلاسور پرونده که روی هریک بزبان فارسی نام ومشخصات نوشته شده وعکسی روی آن نصب شده از ظواهر آن پیدا است که آنها درخواست نامهائی میباشد .

س: آقای بیت مدرک شماره ۶ را به شما نشان میدهم و از شما سؤال میکنم که آیا این پرونده ها شباهت با پرونده های مورد بحث که در آنموقع پیدا کردید دارد؟

ج: بله .

س: منظورتان سوم ژوئیه است؟

ج: بله ، آنها دقیقاً " شباهت دارند - ( از این پس توجه شما را به این کیسه پلاستیکی محتوی ۶ تا کلاسور پرونده که در اختیار دادگاه می - باشد بمنزله مدرک شماره ۶ نامیده میشود ) .

### محاکمه توسط آقای اوئن .

س: آقای بیت شما فرمودید که سعی کردید که از پله های جلوی ساختمان کنسولگری پالابروید و شخصی جلوی راه شما را بست .

ج: بله

س: مگر پله های دیگری هم در آن ساختمان وجود دارد که از زیرزمین به طبقات فوقانی رفت زیرا در آن قسمت ورودیه ساختمان اتاق اصلی میباشد؟



- ج: اوه ... بله .... دوتا پله دارد
- س: آیا پله‌های دیگری در پشت ساختمان میباشد؟
- ج: بله، نزدیک در پشت ساختمان
- س: آیا هیچ کوشی کردید که از آن پله‌ها بالا بروید؟
- ج: بله، کوشش کردم
- س: بعد وقتی بالا رفتید چطور شد؟
- ج: سه نفر در آنجا مستقر بوده و در راهم قفل کرده بودند.
- س: بسیار خب آیا درگیری و مانعتی هم در آنموقع رخ داد؟
- ج: بله، آنها بمن گفتند که به پائین بر سر کارم برگردم و اجازه نخواهم داشت که با آنجا بودم.
- س: بسیار خب، در آنموقع که شما مبادرت به بالارفتن از پله‌ها کردید آیا کسی دستهایش را بروی شما بلند کرد؟
- ج: بله.
- س: چطور دستش را روی شما بلند کرد؟
- ج: بازوهایم را گرفت و مرا بطرف پائین پله هل داد.
- س: بعد شما چکار کردید؟
- ج: من فقط رفتم پائین پله‌ها.
- س: آیا اسباب و یا وسایلی با خودتان در آن موقع حمل میکردید؟
- ج: بله

س: چه وسایلی حمل میکردید؟

ج: یک نوع کارتک فلزی صافکاری

س: بسیار خب چه چیز دیگری با خود حمل کردید؟

ج: یک کتری چای

س: آیا علت بخصوصی داشت که کتری چای با خود حمل میکردید؟

ج: بله بخاطر اینکه سکرترها در ناراحتی بسر میبردند و من میخواستم با

درست کردن قدری قهوه آنها را از ناراحتی در بیاورم .

س: آیا منظور دیگری هم از حمل کردن کتری وجود داشت؟

ج: چه عرض کنم در ضمن یک آلت دفاعی هم بود در موقع حمله افراد .

س: بسیار خب ، آیا در آن زمان که کتری را بر داشتید قصد استفاده کردن

از آنرا بمنزله آلت دفاعی داشتید؟

ج: نه .

س: آیا از حمل کردن آن کارتک فلزی صافکاری چه منظوری داشتید؟

ج: برای دفاع از خودم

س: بسیار خب ، آیا منظورت عملی شد قبل از اینکه بتوانی آنجا را ترک

کنی؟

ج: نه ، من نتوانستم از آنجا بیرون روم .

س: آیا در آن موقع چنین قصدی داشتی؟

ج: بله ، من نتوانستم — ما همگی تسلیم شدیم .

س: بسیار خب آیا در آن موقع کسی در تعقیب شما بود که بطرف پائین ساختمان میرفتید؟

ج: بله - تمام اوقات

س: تقریبا " چند نفر

ج: در حدود ۳ نفر

س: آنطوریکه باید و شاید شما به بعضی چیزها اشاره نکردید حال چندین عکس به شما نشان میدهم خوب توجه کنید و بفرمائید که کدامیک از این افراد را در محل در کنسولگری ایران دیدهاید؟

ج: بسیار خب

س: در ساعت ۷.۳۰ صبح وقتی که شما بکنسولگری رسیدید افرادی آنجا بودند اجازه بفرمائید با این خطکش با آنها اشاره کنم (اول اشاره شد به آقای مسعود مصطفوی).

ج: بله ، ایشان را آنجا دیدم

س: با آقای مصطفی صادق اشاره شد . این چطور؟

ج: بله

س: بعد اشاره شد به آقای بهزاد علوی؟

ج: بله ایشان را هم دیدم

س: بعد اشاره شد به آقای مهرداد گشتاسب پور واحد سروری؟

ج: بله آنها را هم دیدم

س: وهم چنین بترتیب به آقایان یداله آذریان - عباس برخوردار - ویدا گلریز - ژاله پیر نظر - مینا بصیری - نسرین پیر نظر و آخرین نفر - به فرهاد پرتوی اشاره شد بفرمائید آیا اینها را در کنسولگری دیدهاید یا خیر؟

ج: بله تمام را دیدهام ولی درباره آقای عباس برخوردار زیاد مطمئن نیستم.

س: خیلی متشکرم آقای بیت ممکن است بفرمائید تقریبا " در حدود چه ساعتی متوجه شدید که با کارتک فلزی صافکاری مشغول قطع کردن تلفن است؟

ج: در حدود ساعت ۱۰.۳۰ صبح

س: شما چطور میفرمائید در حدود ۱۰.۳۰ صبح؟ آیا به ساعت نگاه کردید؟

ج: نه ولی من تازه قهوهام را تمام کرده بودم چون معمولا " من بین ساعت ۱۰ تا ۱۰.۳۰ یک قهوه میخورم.

س: خوب آنچه را که در گفتارتان بیان کردید به دانشجویان اشاره شده از کجا میدانید که تمام آنها دانشجویان ایرانی بودند؟

ج: من فکر میکنم که تمام آنها دانشجویان دانشگاههای مختلف بودند.

س: شما فکر میکنید چه کسانی دانشجویان دانشگاه بودند؟

ج: تمام این دانشجویان.

س: تمام این چهلویک نفر که عکسهایشان در اینجا موجود است؟  
ج: بله بعلمت اینکه تمام آنها بوسیله کارمندان کنسولگری، سرکنسول و خانوادهاش شناسائی شده‌اند.

س: بسیار خوب، چه کس دیگری در واقع بغیر از سرکنسول و خانوادهاش در موقع ساعات اداری در این مکان میباشند؟

ج: دونفر دیگر که مستخدم میباشند و در آنجا زندگی میکنند.

س: بسیار خوب، آیا این دونفر قابل تشخیص دادن از دانشجویان میباشند؟

ج: اوه بله... مطمئنا "

س: آیا میتوانید بگوئید که سن آن دانشجویان در چه حدودی میباشند؟

ج: حقیقتا " مشکل است که بگویم .

س: خوب حالا یک تخمین نظری بزن؟

ج: تقریبا " بین ۲۰ تا ۲۴ سال

س: منظورتان اینست که بزرگترین و مستترین افراد ۲۴ ساله بود؟

ج: گمانم

س: آقای بیت میتوانید بفرمائید تقریبا " چه مدت زمانی طول کشید از آن

موقع که آن شخص تلفن را قطع کرد تا زمانیکه پلیس وارد شد؟

ج: در حدود ۲۰ دقیقه

س: آیا فکر نمیکنید ممکن است بیشتر طول کشیده باشد؟

ج: ممکن است چون آنقدر به اغتشاشات فکر میکردم و ناراحت بودم که  
ابداً "به وقت توجه نداشتم."

س: میتوانید بیان کنید در آنموقع درجه حالی بودید؟

ج: فقط میتوانم بگویم که خیلی عصبی شده بودم  
متشکرم آقای بیت به بخشید.

آقای دایر: متشکرم آقای

شاهد: متشکرم آقای

آقای مرتضی علی اکبر بعنوان شاهد دیگر نامیده شد.

رئیس هیئت منصفه: خواهش میکنم جهت ادای سوگند دست راست خود  
را بلند کنید و بفرمائید که شرافتمندان سوگند یاد میکنم کلیه مدارکی که برای  
رسیدگی تحویل این دادگاه داده ام و در دست هیئت منصفه میباشد تمام و کمال  
صحت دارد و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نمی باشد و امید دارم که خداوند  
مرا یاری کند.

شاهد: سوگند یاد میکنم که کلیه مدارک زیر حقیقت محض است.

رئیس هیئت منصفه: خواهش میکنم بفرمائید به نشینید پشت آن میز که  
میکرفون دارد.

بازپرسی بوسیله آقای دایر باین نحو اجرا میشود

س: لطفاً نام و نام خانوادگی خود را هجی کنید؟

ج: م - ر - ت - ض - ی      ع - ل - ی - ا - ک - ب - ر

س: آقای علی اکبر شغل شما چیست؟

ج: من کنسول یار ایران در سانفراسیسکو وهم چنین مباشر دانشجویان ایرانی در غرب آمریکا میباشم .

س: چه مدتی است که در این شغل کنسول یاری در کنسولگری ایران واقع در سانفراسیسکو هستید؟

ج: از دوم نوامبر ۱۹۶۸

س: حال توجه شما را به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ جلب میکنم آیا در آن تاریخ شما آنجا بودید؟

ج: بله .

س: میتوانید بگوئید اول چیزی که توجه شما را جلب کرد و برای شما غیر مترقبه بود چه بود؟

ج: وقتی آمدم در داخل دفتر کار کنسولگری؟

س: بله آقا - صبح چه ساعتی وارد کنسولگری شدید؟

ج: ساعت ۹.۳۰ صبح

س: آیا این همان ساعتی است که در کنسولگری باز میشود؟

ج: بله

س: بسیار خوب ، بعد از اینکه در آنموقع صبح وارد کنسولگری شدید آیا چیزی غیر معمولی بنظرتان میرسید؟

ج: نه

س: آیا در آن روز صبح اتفاق بخصوصی رخ داد؟

ج: بله

س: بسیار خوب. آیا ممکن است بفرمائید در آنروز صبح چیزی غیر معمولی بنظر میرسید؟

ج: بله،

س: بفرمائید آن چه چیزی بود که غیر معمولی بنظر میرسید؟

ج: حدود ساعت ۱۱.۳۰ صبح بود که در دفتر کارم نشسته بودم دیدم سه نفر دانشجو آمدند داخل اتاق من.

س: بسیار خوب، آیا معمولا " دانشجویان به اتاق کار شما میآیند؟

ج: نه بآن صورت که وارد شدند

س: ممکن است توضیح بفرمائید چطور وارد شدند که بنظر شما غیر معمولی بنظر میرسید؟

ج: به محض داخل شدن یکی از آنها پرید و تلفن را برداشت و...

س: آنها وقتی وارد شدند چکار کردند؟

ج: یکی از آنها تلفن را برداشت یکی هم روی میز من ایستاد و نفر دیگری در کنار صندلی من مراقب من بود.

س: به این مدرک عکس دار که برای تشخیص هویت دانشجویان تهیه شده وبا شماره یک نامگذاری گردیده است توجه فرمائید، آیا میتوانید از روی



مدرک عکس آن سه نفر را که در باره‌شان توضیح دادید به من نشان

دهید؟

ج: شاهد به عکسهائی اشاره کرد.

آقای دایر: توجه دادگاه را به عکسی که با حرف "Q" نام گذاری شده است

مبذول میدارم. این عکس متعلق به آقای علی طاهری میباشد

عکسهای بعدی که نشان داده شد بشماره "S" و "U" بود که

بترتیب آقایان احمد علوی و شاپور نور منصوری بودند.

س: ممکن است بفرمائید کدامیک از این آقایان به تنهائی تلفن را بر

داشتند؟

ج: اشاره شد به حرف "U" آقای شاپور نور منصوری

س: آیا اول که وارد شدید شما بآنها چیزی گفتید یا آنها به شما چیزی

گفتند یا کاری کردند؟

ج: آنها چیزی نگفتند فقط یکی از آنها پرید و تلفن را برداشت که من

مانعت کردم و با خشونت و هل دادن و روی دست زدن دیگری مواجه

شدم.

س: بسیار خوب، کدامیک از این افراد شما را هل داده؟

ج: شاهد اشاره میکند به مدرک عکس دار شماره یک که آقای علی طاهری

است.

س: آیا شما مطمئن هستید که ایشان شما را هل دادند؟

- ج: بله مطمئن هستم خود ایشان است .
- س: آیا ایشان چیزی هم بشما در آنموقع گفت
- ج: آنها بهمن گفتند بهتر است که بنشینم سرچایم .
- س: بعد شما چکار کردید؟ آیا چیزی به آنها گفتید؟
- ج: خیر
- س: بعد با تلفن چکار کردند؟
- ج: شروع کردند به تلفن زدن و با بیرون تماس گرفتن
- س: آیا موفق شدند با بیرون تماس بگیرند .
- ج: بله
- س: بسیار خوب ، وقتی با بیرون تماس حاصل شد با چه زبانی صحبت می -  
کردند؟
- ج: اولین نفر آنها با زبان فارسی صحبت میکرد .
- س: آیا شما در آنموقع فهمیدید در باره چه صحبت میکرد؟
- ج: شنیدم آن شخص که تلفن را گرفته بود میگفت ما وارد شدیم و کنسول  
گری را گرفتیم .
- س: مجدداً " بفرمائید کدامیک از این آقایان بودند که این صحبت ها را  
میکردند؟
- ج: به عکس آقای شاهپور نور منصوری اشاره شد که با تلفن صحبت می -  
کردند .

س: آیا او تلفنهای دیگری هم زد؟

ج: بله، اولیست توی دستش بود و بترتیب از بالا به پائین تلفن کرد و سه نفر اول را دقیقاً "بخاطر دارم که چه اشخاصی بودند، یکی از آن تلفنها بیک خبرنگار بود برای اینکه او در موقع صحبت کردن میگفت ما دانشجویان ایرانی هستیم که در کنسولگری جمع شده ایم و کنسولگری ایران را در تصرف خود در آورده ایم مایل هستیم که برای تهیه گزارش وانعکاس در جراید به این مکان مراجعه فرمائید.

س: آیا او با زبان انگلیسی صحبت میکرد؟

ج: بله.

س: آیا شما در آن موقع مبادرت به ترک آن محیط کردید؟

ج: بله

س: چه اتفاقی رخ داد وقتی آنجا را ترک میکردید؟

ج: او مرا هل داد (اشاره میکرد به عکس آقای علی ظاهری)

س: ایشان شما را هل دادند؟

ج: بله ایشان هل دادند و با تشر گفت بهتر است که بنشینم سرجایت.

س: آیا شما کسانی دیگر را هم بغیر از آن ۳ نفر که نامبرده شد و درباره

شان مطالبی گفتیم در آنجا دیدید؟

ج: بله، اشاره شد به مدرک شماره یک عکس آقایان هاشم مازندرانی و

فرود پاینده جو و خانم زاله بهروزی

س: بسیار خب آیا خانم ژاله بهروزی هم با آن افراد وارد شدند؟  
ج: بله، سه نفر دیگر هم همراه ایشان بودند که بعداً "وارد اتاق شدند،  
همراهان خانم ژاله بهروزی عبارت بودند از آقای کیومرث سافنی و  
آقای مصطفی صادق و فرهاد پرتوی.

س: آیا میتوانید افراد دیگری را نام ببرید که در اتاق سکرترها بودند  
وقتی که شما آنجا نشسته بودید؟

ج: بله در باز بود و من فقط نیمرخ آنها را میدیدم  
س: در هر صورت میتوانید به من بگوئید که تعداد زیادی در آن اتاق  
بودند؟

ج: بله

س: چطور شما این حرف را میزنید؟

ج: برای اینکه یکی از دخترها داشت گریه میکرد

س: بسیار خب وقتی شما میگوئید یکی از دخترها آیا منظورتان یکی از آنها  
که وارد شدند یا یکی از سکرترها؟

ج: یکی از سکرترها، من بلند شدم ببینم که چه خبر است.

س: بعد چطور شد که بلند شدید؟

ج: او سعی میکرد که مرا مجدداً "به عقب هل بدهد.

س: منظورتان او (اشاره میشد به عکس آقای علی طاهری)

ج: بله

س: آیا میتوانید بگوئید در حدود چند نفر در آن اتاق اصلی حضور داشتند؟

ج: در حدود ۳۰ نفر

س: ۳۰ نفر آیا مطمئنی؟

ج: بله در حدود ۳۰ نفر

س: آیا هرگز شما را از آن اتاق خودتان خارج کردند که ببرند به اتاق

سکرتها؟

ج: بله

س: بسیار خوب، چه اتفاقی رخ داد وقتی رفتید توی آن اتاق؟

ج: اشاره شد بعکس آقای احمد علوی، آقای هاشم مازندرانی - آقای

کیومرث سابق که آنها شروع کردند به صحبت کردن با من وهم چنین

آقای گودرزی نیا که در اتاق مجاور بودند .

س: آیا آقای گودرزی نیا هم یکی از کار مندان کنسولگری هستند؟

ج: بله ، ایشان معاون سرکنسول هستند .

س: در آن موقع چه مطلبی آقای گودرزی نیا به شما میگفت؟

ج: درباره آنچه در ایران اتفاق افتاده است و ایشان میپرسیدند که آیا این

حرفها راست است یا دروغ؟

س: آیا ایشان درباره آنچه در کشورمان ایران اتفاق افتاده سؤال میکردند؟

ج: بله

س: آیا ایشان در آن اتاق اصلی مطالب دیگری هم عنوان کردند؟

ج: بله

س: چه مطالبی عنوان شد و چه مطالب دیگری آنها به شما گفتند؟

ج: بطور کلی تمام سئوالات راجع به وضع ایران و دانشگاهها و چیزهای دیگری که در ایران رخ داده است.

س: بسیار خوب، آیا هیچ کسی از طبقه اول به زیر زمین که شما بودید آمد؟

ج: بله

س: بسیار خوب بفرمائید چه کسی بود؟

ج: اشاره شد بمدرک شماره یک که عکس آقای علی وحیدی در آن بود.

س: آیا ایشان وقتی آمدند طبقه پائین حرفی هم زدند؟

ج: بله، به محض اینکه وارد طبقه اول شد بلند فریاد میکرد پلیس آمد.

س: بسیار خوب آیا آن مطالبی است که او فریاد میکرد و به افراد داخل اتاق دیگر میگفت.

ج: بله

س: و چه چیز دیگر؟ آیا او برای دومین بار آمد پائین؟

ج: دومین بار که او آمد پائین گفت، پلیس به پرویز حمله کرده است.

س: چه میگی؟ پلیس به پرویز حمله کرد ما ست؟

ج: بله

س: بسیار خوب!؟

ج: سپس او شروع به تهدید کردن نمود و گفت که اگر پلیس به پائین بیاید

اینجا را خواهیم سوزاند و او را خواهیم کشت .

س: بسیار خب - آیا او حرف بخصوص دیگری هم به شما گفت ؟  
ج: بله ، این آقا درحالیکه به عکس آقای علی ظاهری اشاره میکرد گفت  
ایشان متذکر شدند که شما اولین نفری خواهید بود که کشته خواهید  
شد .

س: سپس به عکس آقای علی وحیدی و آقای علی ظاهری اشاره کرد و گفت  
بسیار خب ، آیا دانشجویان در آنموقع تقاضای خواسته هائی از شما  
یا از آقای گودرزی داشتند ؟

ج: بله

س: آنها چه تقاضا هائی عنوان کردند که انجام دهید ؟  
ج: آنها به من گفتند که بهتر است بیرون روم و به پلیس بگویم که از این  
محوطه دور شود در غیر اینصورت شما را خواهیم کشت و این کنسول  
گری را به آتش میکشیم .

س: بسیار خب ، آیا اینها حرفهائی بزبان فارسی گفتند ؟

ج: بله

س: آیا شما دیدید که پلیسی وارد محوطه زیرزمین شود ؟

ج: بله

س: ممکن است بفرمائید چه اتفاقی در آنموقع رخ داد ؟

ج: وقتی که اولین پلیس پائین میآمد دیدم که یکنفر از دانشجویان باطوم

پلیس را گرفته و با پلیس در حال جنگ است .

س: منظورتان یکی از این چهل و یک نفر است؟

ج: بله

س: آیا عکس او اینجاست؟

ج: بله ولی در آنموقع پشتش به من بود و صورتش را ندیده‌ام .

س: بسیار خب پس چطور تشخیص دادید اومیباشد؟

ج: از روی لباسش چونکه او در اتاق من بود و میتوانم بگویم که اومیباشد

س: آن شخص آقای علی‌طاهری میباشد که شما بآن اشاره کردید؟

ج: بله

س: آیا شما هیچ مبادرت به رفتن طبقه بالا که کنسولگری بود کردید؟

ج: بله

س: آیا رسیدن پلیس مصادف با بالا رفتن شما بود؟

ج: بله ، بشما قبلا "گفته بودم که درست بعد از ورود پلیس به محل حادثه

س: آیا شما اجازه داشتید که به طبقه بالا بروید وقتی که دانشجویان

کنسولگری را اشغال کرده بودند؟

ج: نه من از اجازه نداشتم که از اتاقم بیرون بیآیم

س: آیا منظورتان اینستکه شما حق نداشتید از اتاقان خارج شوید؟

ج: خیر

س: آیا حقیقت میفرمائید؟



ج: بله

س: بفرمائید که چند نفر در استخدام کنسولگری بودند در آن زمانیکه کنسول  
گری ایران توسط دانشجویان ایرانی اشغال شده بود بعبارت دیگر بیان  
کنم چند نفر از کارمندان و کارگران کنسولگری در آن روز در کنسولگری  
حضور داشتند؟

ج: بله ، آقای اکبر احمدی

س: آقای اکبر احمدی؟ آیا احمدی نام خانواده‌گی شما است؟

ج: بله ، صحیح است .

س: آیا کسانی دیگر هم با شما بودند؟ مثل اینکه قبلاً " نام آقای دکتر  
گودرزی نیا راهم برده بودید اینطور نیست؟

ج: بله

س: آیا ایشان هم مثل شما در آنجا در بند بودند؟

ج: خیر ، ایشان در اتاق هم جوار ما نشسته بودند .

س: آیا هیچیک از خانمهای ماشین نویس هم در آنجا بودند .

ج: بله ، سه نفر از خانمها در اتاق اصلی ساختمان بودند .

س: بسیار خب ، آیا ممکن است نام آنها را بفرمائید؟

ج: بله . آقایان جاسمیک - سان آسوریان (JASMIK SANASSARIAN)

و شاهین برجسته‌هی و ژاله‌ظلی که آنها در اتاق اصلی نشسته بودند

س: آیا سکرتر های دیگری هم به همین نحو در زیر زمین کنسولگری بودند؟

ج: بله، بودند، که یکی از آنها هم در اتاق روبروی این‌ها نشسته بود.

س: بسیار خوب. اسم ایشان چه بود؟

ج: نام آن خانم هاسمیک - نیشانیان (HASMICK NISHANIAN)

س: متشکرم، آیا مطالب دیگری هم میتوانید بیان کنید که خودتان دیده

باشید و در آن موقع رخ داده و باعث مزاحمت کارمندان شده باشد؟

ج: بله، وقتی دویا سه نفر از پلیسها در طبقه پائین بودند مرا هل دادند

و در اتاقم زندانی شدم.

س: به بخشید، قبل از اینکه پلیس وارد شده آیا هیچ تعرضی در حضور شما

به کارمندان کنسولگری نمودند؟

ج: یک سکرتر دیگری هم مشغول گریه کردن بود بعلت اینکه افرادی اطراف

آن را گرفته بودند و سرش فریاد میزدند و او را بانامهای بد خطاب

می‌کردند.

س: آیا هیچ یک از این خانمهای سکرتر حق تلفن زدن هم نداشتند؟

ج: دانشجویان هرگز مهلت چنین کاری را به آنها نمی‌دادند.

س: آیا آنها اجازه میدادند که سکرترها از پشت میزشان خارج شوند؟

ج: خیر

س: آیا آنها اجازه دادند که آقای احمدی این اتاق را ترک کند؟

ج: خیر

س: آیا در آغاز دانشجویان اجازه دادند که آقای گودرزی نیا این اتاق

را ترک کند؟

ج: خیر

س: خیر؟

ج: خیر

س: آقای علی اکبر مدرک شماره ۵ که شامل چهار عکس از نقاط مختلف حادثه میباشد قبلاً از نظرتان گذشته، که دوتای آن عکس های یک فولکس واگن استیشن و دیگری عکس یک ساختمان است. آیا میتوانید آن عکسی را ارائه دهید که ساختمان در آن نشان داده شده است و در مدرک شماره ۵ هم میباشد؟

ج: این عکس آن ساختمان است. (در حالیکه اشاره میکرد به آن عکس)

س: بله آقا

ج: بله

س: خوب این کدام وجه ساختمانی است؟

ج: این عکس ساختمان کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو است

س: بسیار خوب. در این عکس های بخصوص که من بشما نشان دادم اشاره کردم به یک فولکس استیشن که در جلوی کنسولگری ایران پارک شده است.

ج: بله

س: آیا در آن زمان منظورم در تاریخ ۲۶ ژوئن است شما یک مینیبوس کوچک

سفید یا کرم رنگ که پارک شده باشد جلوی کنسولگری دیدید یا خیر؟

ج: بله

س: آیا میتوانید به من بگوئید که چطور شد که شما توجهتان بآن ماشین بخصوص جلب شد؟

ج: بعلت اینکه دیدم پلیس مشغول فرمان دادن است که آن ماشین را با جرثقیل از آن نقطه دور کنند.

س: بسیار خوب، چه اتفاق دیگری پیش آمد؟

ج: یکی از سکرترها که کنار پنجره نشسته بود به من گفت که دارند ماشین دانشجویان را با جرثقیل میکشند و میبرند.

س: بسیار خوب. بعد شما چکار کردید؟

ج: از کنسولگری بیرون آمدم و از پلیس پرسیدم آیا این ماشین را با داره پلیس میبرید و یا فقط از این نقطه به محل دیگری منتقل میکنند تا صاحبش پیدا شود؟

س: بسیار خوب بعد چه شد؟

ج: سپس از پنجره دفترچهای را دیدم که با خط فارسی روی آن نوشته شده بود.

س: بسیار خوب، حال توجه شما را به مدرک شماره B-۵ که عکسی از جلوی اتومبیل فولکس واگن استیشن میباشد جلب میکنم. آیا این همان ماشین یا نظیر همان اتومبیلی است که شما دیدید در جلوی ساختمان کنسول —

گری پارک شده است؟

ج: بله این همان ماشین است.

س: بسیار خب، حال میتوانید از روی این عکس به من نشان دهید که این

دفترچه از کجا پیدا شده است؟

ج: اینجا

س: آیا این همان جایی است که شما اشاره میکنید؟

ج: بله روی داشبورد ماشین

س: منظورتان داشبورد ماشین فولکس واگن است که اشاره میکنید؟

ج: بله

آقای دایر: خواهش میکنم در پرونده منعکس شود که در این تاریخ از وقت

دادگاه مدرک دیگری به شماره ۷ نامگذاری شده است یک دفتر

چه میباشد و با آقای علی اکبر نشان میدهم.

س: آقای علی اکبر مدرک شماره ۷ که یک دفترچه میباشد به شما نشان میدهم

بفرمائید به بینم تا بحال این دفترچه را دیده‌اید یا خیر؟

ج: بله، این همان دفترچه‌جائی است که از توی ماشین برداشتم - با توجه

باینکه شما آگاه هستید در توی این دفترچه بزبان فارسی نوشته‌هایی

دیده میشود و جزو مدارکی است که بدادگاه ارائه شده و شماره آن ۷

می باشد.

آقای دایر: خواهش میکنم که در پرونده منعکس شود که من این دفترچه را باز

کرده و با آقای علی اکبر نشان می‌دهم که در حال حاضر دارای ۳ صفحه  
می‌باشد صفحه اول را با A-۷ و صفحات دوم و سوم را B-۷ نشان  
دادهام .

س: آقای علی اکبر مجدداً "این مدارک شماره A-۷ را به شما نشان می‌دهم  
به من بگوئید که آیا تا بحال این مدارک بخصوص را دیده اید یا خیر؟  
ج: بله

س: بسیار خوب، آیا می‌توانید به من بگوئید که این صفحه را برای اولین بار  
در این دفترچه دیده‌اید؟

ج: این صفحه..... این دفترچه اینجا بود (در حالیکه بخارج از پنجره  
اشاره می‌کرد).....

س: اشاره کرد به صفحه آخر کتاب که باز بود و در پشت شیشه ماشین قرار  
داشت آیا این مطلب را تأیید می‌کنید؟

ج: بله

س: بسیار خوب، آیا آن دو صفحه دیگر را در داخل دفترچه گذاشتید؟

ج: بله، بنابراین شما قادر خواهید بود که نوشته‌های روی آنرا از اینجا  
به بینند .

س: بسیار خوب، از این رو شما قادر بودید که از خارج ماشین برای اولین  
بار به این دفترچه نگاه کنید متوجه شدید که داخل آن بزبان فارسی  
نوشته شده است آیا صحیح است؟

ج: بله من دستخط را دیدم

آقای دایر:

س: آیا نوشته‌های این دفترچه را از فارسی به زبان انگلیسی ترجمه کرد ماید؟

ج: بله ، این دو صفحه را که هر دو طرف آن نوشته هائی میباشد .

س: آقای علی اکبر میتوانید به من بگوئید که در چه تحمولات شما قبل از

آمدن به ایالات متحده آمریکا در کشورتان چه بود؟

ج: بله ، لیسانس زبان انگلیسی .

س: مدرک تحصیلی تان را از کجا دریافت کردید؟

ج: از دانشگاه تهران

آقای دایر: خواهش میکنم در پرونده من یک نسخه از مدرک شماره C-۷ با آقای

علی اکبر نشان داده شد با توجه با اینکه این مدرک شامل سه صفحه

ماشین نویسی شده بزبان انگلیسی میباشد .

حال مدرک شماره C-۷ را با صفحاتی که در دفترچه که به شما نشان دادم

و با شماره‌های A-۷ و B-۷ نامکملانی که است مقایسه میکند .

ج: این همان دو صفحه میباشد که من ترجمه کردم .

آقای دایر: بسیار خب ، آنچه را که از فارسی به انگلیسی ترجمه نموده‌اید

برای دادگاه بخوانید؟

ج: بله ، در این قسمت میگوئید . قبل از جمله به کنسولگری به تقسیم بندی

زیر باید توجه شود .

- ۱- دونفر بروند بداخل کنسولگری
- ۲- سه نفر بروند به قسمت اصلی کنسولگری واقع در زیر زمین
- ۳- دونفر بروند باتاق کار علی اکبر
- ۴- چهار نفر بروند باتاق کنسول
- ۵- دونفر دیگر بروند باتاق علی اکبر
- ۶- قبل از اینکه آن سه نفر به اتاق اصلی وارد شوند هفت نفر دیگر بآن اطاق بروند .
- ۷- بعد مجدداً " دونفر دیگر هم داخل اتاق کنسول شوند . تا اینجا ۱۶ نفر در دفتر کارکنسول میباشند که چهار نفر آنها در اتاق علی اکبر است و ده نفر در اتاق اصلی کنسولگری - بقیه افراد که دو یاسه نفر میباشند چنانچه واجب باشد بروند توی اتاق دیگر که مجموعاً " ۲۲ نفر میشوند .
- ۸- در مرحله دوم حمله ده نفر دیگر داخل شوند که این حمله باید حمله ناگهانی و فوری باشد .
- ۹- بیست و دونفر اول تمام تلفنها را کنترل خواهندکرد .
- ۱۰- دونفر از آن ۲۲ نفر موظف هستند که به بیرون تلفن بزنند .
- ۱۱- ده نفر دوم از بین آن افرادی که مسئول خرابی ببار آوردن و خرد کردن و شکستن عکسهای شاه میباشند انتخاب خواهند شد . و اولین عملیات بعد از کنترل کامل تلفن زدن ها شروع خواهد شد .



- ۱۲- از داخل و خارج به خبرنگاران تلفنی خبر دهید .
- ۱۳- آن گروهی که در اطاق کنسول میباشند سعی کنند که کنسول را به طبقه پائین بیاورند .
- ۱۴- آن گروهی که با علی اکبر هستند سعی کنند که او را هم بیرون بیاورند .
- ۱۵- سعی شود که تمام آنها را در یک اتاق جمع کنیم .
- ۱۶- دو نفر جلوی در هر اتاق میایستید و بقیه افراد با اتاق اصلی بروند .
- ۱۷- گروهی که قرار شد ما ست به بازرسی پرونده‌ها بپردازند بلافاصله شروع به فعالیت کنند . منظور اصلی اینکه کلیه افراد مهم کنسولگری را در یک اتاق جمع کنند اینست که وقتی خبرنگاران آمدند با آنها صحبت کنند .
- ۱۸- بعد از اینکه تمام در یک اتاق جمع شدند گروهی که برای سئوالات انتخاب شدند شروع میکنند به صحبت کردن و خواستهای دانشجویان را مطرح میکنند در ضمن این افراد باید وضع آنها را طوری تنظیم کنند که خبرنگاران بتوانند براحتی داخل این اتاق شوند .
- ۱۹- قبل از این که خبرنگاران وارد شوند قدری خرابی ببار آید و این کار باید به نحو کامل و چشمگیر انجام گیرد .
- ۲۰- گروهی که در مقابل در ورودی کنسولگری میباشند شروع کنند به

مقاومت کردن و در نتیجه در این باره پیشی وهم چنان به وظایف محوله ادامه خواهید داد تا آنکه پیش داخل شود کسی را دستگیر کند در این موقع شروع به خروج شدن .

۲۱- وقتی متوجه شدیم که داخل شد فشار بیشتری روی کنسول ایران خواهیم گذاشت .

۲۲- یک نفر که خطرات بیشتری استاده است شروع میکند به جواب دادن سوالات مربوط به وضع کنسول ایران پس هر همان زمان آنهایی که داخل صحنه میآیند با پیشی در جلوی دو میباشند آماده شوند و آنها نیز هر یک از آنها را که فشار بیشتری بر کنسول وارد خواهند کرد .

ترجمه صفحه دیگر مدارک در این شرح میباشد :

- ۱- مدارکهای تکمیلی که در این شرح خود برسد .
- ۲- دستگیر شدن با آنها در این شرح را که مهم نیست .
- ۳- خبر خطرات اعمال کنسول در راه و تلویزیون و روزنامه ها از کار های خیلی مهم است .
- ۴- در ابتدا یک مرتبه در این شرح به کنسول گری همه باهم یاد در گروههای مجزا .
- ۵- بدو گروه تقسیم شوید یکی آن گروه که دستگیر میشوند و گروهی که دستگیر شدنی میکنند .

- ۶- کلیه قسمتهای نمای ظاهری ساختمان کنسولگری از بین برده شود .
- ۷- عملی باید انجام بگیرد که کنسول روحیه خود را کاملا " از دست بدهد یک نفر تلفنی با کنسولگری تماس بگیرد و خود را خبر نگار معرفی کند و چند تا بلاف بزند عکس شاه را پائین آورده و جلوی چشم خبر نگار خرد کنید و از بین ببرید . ( بعد از اینکه کنسولگری اشغال شد این خبر باید به تمام جا مخابره شود . )
- ۸- هر چیزی باید با نام دانشجویان ایرانی خطاب شود نه با هیچ عنوان دیگر .
- ۹- با اطلاع عموم رساندن خبر حمله و اشغال کنسولگری ایران  
 س: آقای علی اکبر ، من صفحات دیگری از آن دفترچه را علامت گذاری میکنم که با شماره D-۷ میباشد و اینرا بشما نشان میدهم و از شما سؤال خواهم کرد که از این مدرک چه چیز دستگیرتان خواهد شد و چه چیزی را عنوان خواهد کرد؟
- ج: بله ، این یک نامه است که با مضای آقای وحیدی رسیده است .
- س: بسیار خوب ، فرمودید آقای وحیدی آیا میتواند شخصی را بهمن نشان دهید که دارای همین نام باشد .
- ج: بله ، ایشان ( با اشاره به مدرک شماره یک ) .
- س: آیا نام و نام خانوادگی او را در این نامه ذکر شده است؟
- ج: خیر فقط نام خانوادگی او دیده میشود

س: فقط نام فامیل وحیدی؟

ج: بله

س: علی وحیدی با حرف "K" علامت گذاری شده است و این نامه در جوف آن

دفتر چه پیدا شده است، آیا صحیح است؟

ج: بله، صحیح است، از این رو این نامه که بنام آقای وحیدی پیدا

شده است با حرف "D" در مدرک شماره ۷ میباشد.

آقای دایر:

س: بسیار خوب آیا بطور کلی میتوانید به من بگوئید در این دفتر چه

چیزهایی علاوه بر نقشه‌های حمله به کنسولگری میباشد؟

ج: بله، یک یادداشتی است که نتیجه کارها و تصمیمات دانشجویان ایرانی

در آن درج میشود و این یادداشت نتیجه جلساتی است که هر یکشنبه و سه

شنبه شب در محلی بنام خانه ایرانی در برکلی واقع در سانفراسیسکو

نزدیک دانشگاه کالیفرنیا برگزار میشود.

ن: آیا آنها جلساتی در آنجا دارند؟

ج: بله، آنها جلساتی در آنجا دارند و محلی است که دانشجویان ایرانی

در آنجا تجمع میکنند و بکارهای سیاسی و رژیم منفور پهلوی که مورد

تائید آنها نیست بحث و صحبت میکنند و در بعضی از جلسات به

مشکلات داخلی یکدیگر میرسند.

س: بسیار خوب در واقع این همان دفتر چفائی است که کلیه گزارشات و نت—

های حاصله از کنفرانسهای دانشجویان ایرانی در خانه ایران واقع در  
بر کلی میباشد؟

ج: بله.

س: اجازه بفرمائید در پرونده درج شود که من مشغول نشان دادن مدرک  
شماره ۶ - بشما میباشم.

س: خواهش میکنم آن فایلها را که در داخل آن کیسه پلاستیکی است بیرون  
آورده و مورد بررسی قرار دهید و به من بگوئید که آیا این فامیل هارا  
میشناسید یا خیر؟

ج: بله، اینها تمام پرونده های دانشجویان است.

س: آیا اینها پرونده های دانشجویان است؟

ج: بله.

س: بسیار خوب، آیا شما میتوانید به من بگوئید که این پرونده ها به چشمتان  
آشنا میباشد؟

ج: بله، این پرونده ها با کاغذ های دیگر از داخل کنسولگری خارج شده  
و در زیر شنهای پشت ساختمان کنسولگری دفن گردیده است.

س: آیا آن فایل ها هنوز هم گرد و خاکی میباشد؟

ج: بله، میتوانید ببینید که چقدر شن داخل آن پرونده ها میباشد.

س: بفرمائید آیا این فایلها در اختیار شما بوده یا در اختیار کنسولگری؟

ج: آن ها در اتاق خانم نیشانیان ( NISHANIAN ) بود.

- س: بسیار خوب . اتاق ایشان چه محلی است؟
- ج: اتاق مربوط به دانشجویان است .
- س: بسیار خوب شما شخصی هستید که به امورات دانشجویی رسیدگی میکنید
- آیا اینطور نیست؟
- ج: بله ، صحیح است .
- س: آیا شما به کسی اجازه دادید که پرونده ائی را از این اتاق به خارج ساختمان ببرند؟
- ج: خیر .
- س: آیا شما بکسی اجازه دادید این فایلها را در حیاط پشت ساختمان دفن کنند؟
- ج: خیر .
- س: آیا شما بکسی اجازه دادید که کنسولگری را اشغال کنند .
- ج: خیر .
- س: در موقع قرائت مدرک شماره ۷ که همان دفترچه باشد به عکس اشاره شد
- آیا عکسی از دیوار کننده یا پائین آورده شد؟
- ج: بله .
- س: آیا میتوانید به من بگوئید عکس چه کسی بود؟
- ج: بله
- آن عکس شاه ایران بود که به دیوار اتاق نشمین طبقه فوقانی نصب شده

بوده .

س: آیا میتوانید به من بگوئید قبل از اینکه دانشجویان باین ساختمان حمله کنند و اینجا را اشغال نمایند این عکس پاره بوده . همانطوریکه حال پاره پاره شده ملاحظه میفرمائید؟

ج: خیر ، این عکس در داخل یک قاب بزرگ ویدیوار نصب بوده است .

س: آیا عکسهائی دیگر از شاه در آن ساختمان وجود داشت که در آن روز وساعت بمناسبت اشغال کنسولگری نابود گردد؟

ج: بله

س: آیا تمام عکسهای شاه در داخل کنسولگری نابود شده بود؟

ج: بله

س: آقای علی اکبر هم اکنون مدرک شماره ۴ را برای تشخیص هویت به شما نشان میدهم خواهش میکنم محتوی جوف این پاکت را آزمایش کنید و به من بگوئید که میتوانید یا خیر؟ چنانچه بله ، میتوانید هیچ یک از محتویات آنرا تشخیص بدهید؟

ج: اینها سه تا پاسپورت ایرانی میباشد که دوتای آن سفید و یکی دیگر نوشته شده است .

س: آیا آنها را تا قبل از امروز بعداز ظهر دیده بودید؟

ج: بله .

س: در گذشته اینها را در کجا دیدید؟

ج: آنها بوسیله دانشجویان در روز ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ از محل خود خارج شده‌اند.

س: وقتی می‌گوئید دانشجویان منظورتان همان چهلویک نفر است؟  
ج: بله.

س: همان افرادی که عکسهایشان در مدرک شماره یک است آیا صحیح است؟  
ج: بله،

س: بسیار خوب، آیا می‌توانید به من بگوئید که معمولا "این پاسپورتها را در کجای ساختمان کنسولگری نگاه‌میدارند؟  
ج: اینها . . . .

س: پاسپورت‌های سفید؟ این دوتا پاسپورت سفید؟  
ج: این‌ها در گاوصندوق نگهداری میشود.

س: می‌توانید به من بگوئید آیا پاسپورت سفید ارزشی هم دارد یا خیر؟  
ج: بله، خیلی هم ارزش دارد.

س: برای چه منظوری از آن پاسپورت‌های سفید استفاده خواهد شد؟  
ج: اگر آنها بدست کسی بافتد می‌تواند همه رقم سوء استفاده از آن نماید مانند ورود و خروج غیر قانونی به کشوری با پاسپورت تقلبی و یا انجام عملیات سرء دیگر.

س: به عقیده شما آیا آن قیمت گزافی دارد؟



ج: بله ،

س: آقای علی اکبر من مدرک شماره ۲ را برای تشخیص هویت به شما نشان میدهم ، و از شما سؤال میکنم با توجه باین مدرک که از A تا F نامگذاری شده برایتان آشنا میباشد ؟

ج: بله ، تمام آنها را دیدهام و آشنا میباشد .

س: بسیار خب ، میتوانید بهمن بگوئید درموقع حمله به کنسولگری آنجا بودید وقتی که بقسمتی یا تمام ساختمان خسارات وارد شد ؟

ج: بله من آنجا حضور داشتم .

س: میتوانید بهمن بگوئید چه خسارتهائی وارد آمدهاست ؟

ج: بله ، این جا ( در حالیکه نشان میداد )

س: مدرک شماره F-۲ را به شما نشان میدهم

ج: اینست اتاق کار ما ( در حالیکه از روی عکس نشان میداد )

س: بسیار خب ، بسیار خب شما به در ورودی ساختمان اشاره میکنید ؟ در

قسمت چپ و عقب عکس F-۲ قرار دارد آیا صحیح است ؟

ج: بله ،

س: و شما بیان میدارید که اینجا دفتر کار ما میباشد بفرمائید چه اشخاص

دیگری در این دفتر بوده ؟

ج: آقای احمدی

س: آقای احمدی و خودتان اینطوریکه در عکس نشان میدهد یک شخص

دیگری هم در توی در ورودی ایستاده است آن شخص کیست؟

ج: آن شخص فرستاده کنسولگری میباشد.

س: ایشان در کدام اتاق بودند؟

ج: در این اتاق (در حالیکه به محل اشاره میشد).

س: آن محل در قسمت راست در ورودی قرار دارد. آیا صحیح است؟

ج: بله

س: در این عکس که شما ملاحظه میفرمائید مقدار زیاد شعار بارنگ روی

دیوار ها نوشته شده وهم چنین تعدادی پوستر روی دیوار ها نصب

شده دیده میشود. آیا صحیح است؟

ج: بله.

س: آیا میتوانید بفرمائید وقتیکه این خسارت به این محل وارد شد شما

در آنجا حضور داشتید؟

ج: بله

س: آیا این حادثه در روز ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ رخ داد وقتی که چهل و یک نفر

دانشجو در اثر حمله و اشغال کنسولگری دستگیر شدند؟

س: حال از شما تقاضا دارم به خسارتهای دیگری که در عکسهائی که باحرف

A و B و C و D نشان داده شده است توجه فرمائید به بینیم که آیا

این خسارات در روز اشغال کنسولگری باین محل وارد شده است یا

خیر؟

ج: بله، تمام آنها در آن روز انجام شده است.

باز پرسى بوسيله آقاى اوئن

س: آقاى على اكبر تقريباً " چند نفر دانشجوى ايرانى در قسمت غربى

ايلات متحده آمريكا ميباشند كه به كنسولگرى مراجعه ميكنند واز آنها

خبر داريد؟

ج: در حدود ۶ تا ۷ هزار نفر

س: حدود چند نفر آنها در كاليفرنيا ميباشند؟

ج: بين ۳ تا چهار هزار نفر

س: بسيار خوب، در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ وقتى كه اين حمله به كنسولگرى رخ داد

آيا سركنسول ايران در منزلش بود؟

ج: خير

س: بسيار خوب، آيا ميدانيد ايشان در آن موقع كجا بودند؟

ج: بله

س: كجا بودند؟

ج: بيست و پنجمين سالگرد روز سازمان ملل متحد بود كه اشرف پهلوى

خواهر شاه با آمريكا آمده بود و سر كنسول ايران با اشرف پهلوى خود

را آماده ميساختند كه در اين مراسم شركت كنند.

س: حال با اطلاعاتن برسانم دو نفر از افرادى كه در شهادت خود نام

برديد بطور واضح و آشكار درباره شان توضيح داده نشده است،

خوشحال خواهم شد چنانچه به من بفرمائید که آنها را روز ۲۶ ژوئن در منزل سر کنسول دیدم یا خیر؟ ابتدا باین عکس توجه شود که با حرف "O" نمایش داده شده است و این عکس بنام خانم هما حجت میباشد؟

ج: بله.

س: بسیار خب، ایشان چکار میکردند؟

ج: هما حجت مشغول نوشتن شعار روی دیوار بود.

س: با چه مینوشت؟

ج: بارنگ

س: بسیار خب، نفر دوم که با حرف "JJ" نمایش داده شده است بنام

خانم خدیجه سیا بهزادی میباشد که هم چنین بنام دیگری معروف میباشد بنام ژاله بهزادی.

ج: ژاله بهزادی

س: آیا ایشان را آنروز دیدید؟

ج: بله

آقای اوئن: آقای علی اکبر از شما متشکرم به بخشید سئوال دیگری ندارم.

رئیس هیئت منصفه: آقای علی اکبر خیلی متشکرم از شما

شاهد: متشکرم

آقای اوئن:

س: آقای علی اکبر شما در گفته‌های قبلی تان اظهار داشتید حدود ساعت ۱۱:۳۰ صبح سه نفر از دانشجویان وارد اتاق کار شما شدند، آیا مناسبتی داشت که به ساعتی نگاه کنید یا ساعت ۱۱:۳۰ یک تخمین وقتی است؟

ج: نه، من بساعتم نگاه کردم.

س: بسیار خوب و شما... آیا شما شخصا "قبل از اینکه این سه نفر وارد اتاقتان بشوند میدانستید که تعدادی دانشجو در خارج از ساختمان اجتماع کرده‌اند؟

ج: خیر.

س: حال اجازه بفرمائید که توضیح بیشتری بدهم تا مطلب روشن تر شده اتاق کار شما در گوشه جلوی منزل سر کنسول میباشد، اینطور نیست؟

ج: بله

س: بسیار خوب و اتاق شما در جوار اتاق اصلی است که سکرترها در آنجا کار میکنند؟

ج: بله.

س: و بایک در از هم جدا شده‌اند؟

ج: بله.

س: از اتاق سکرترها و هال تا در پشت ساختمان مسیری شبیه شکل "L" میباشد، آیا صحیح است؟

ج: بله صحیح است؟

س: در طرف دیگر هال سه تا اطاق دیگر وجود دارد. صحیح است؟

ج: بله

آقای اوئن: بسیار متشکرم

رئیس هیئت منصفه: آیا هیئت منصفه سئوالات دیگری هم دارد که بوسیله

بازپرس دادگاه مطرح شود؟

( پاسخی داده نشد )

رئیس هیئت منصفه: آقای علی اکبر خیلی از شما متشکرم

شاهد: بله آقا به بخشید.

از این رودادگاه در ساعت ۹.۴۰ بعد از ظهر بیکاستراحت کوتاه

پرداخت.

بازپرسی آقای ری - کرامر ( ROY-KRAMER ) را بعنوان شاهد دیگر

بداگاه معرفی کردند.

رئیس هیئت منصفه: آقای کرامر شما شرافتمندان سوگند یاد کنید مدارکی که

در این تحقیقات تهیه نموده‌اید و حال در اختیار دادگاه میباید تمام

و کمال صحیح و درست است و تمام آن جز حقیقت چیز دیگری نمی باشد.

امیدوارم که خداوند مرا یاری کند.

شاهد: بله، سوگند یاد میکنم که تمام مطالب و تحقیقات تهیه شده صحیح

است و انشالله خداوند در این مسیر مرا یاری کند.

رئیس هیئت منصفه: خواهش میکنم بفرومائید بنشینید و آن میکرفون را در اختیار داشته باشید.

### باز پرسى بوسيله آقای دایر

س: خواهش میکنم نام و نام خانوادگی خود را برای درج در پرونده به فرومائید؟

ج: نام ری و نام خانوادگی کرامر ( KRAMER )

س: آقای کرامر شغل شما چه میباشد؟

ج: من یک پلیس تحقیقات میباشم.

س: استخدام کجا هستید؟

ج: اداره پلیس شهر واستان سانفراسیسکو

س: وظایف شما چیست و چه ربطی به استخدامی شما که بمنزله یک پلیس هستید دارد؟

ج: از طرف اداره معین شدهام در لابراتوار کارکنم و کار من تحقیقات و رسیدگی به کارهای انگشتنگاری و تهیه مدارک است و در ضمن کار دیگر من عکس برداری از محل جرم و مطابقت مدارک انگشتنگاری شده با یکدیگر میباشد.

س: بسیار خوب چه مدتی است شما در این سمت با استخدام این کنسولگری

در آمده اید؟

ج: از سال ۱۹۴۷

س: خواهش میکنم دادگاه مراتب ذیل را در پرونده منعکس کند که من

مدارک B-۵ و "D" و عکس فولکس واگن استیشن رابه شما نشان میدهم

بنابه موقعیت شغلی و استخدام در اداره پلیس آیا انگشت نگاری و بازرسی

از آن ماشین معروف فولکس واگن نموده اید؟

ج: بله بازرسی شده

س: آیا میتوانید به من بگوئید در داخل ماشین محلی پیدا شده و علائمی

وجود دارد که قابل انگشت نگاری باشد؟

ج: بله ، پیدا شده

س: آیا میتوانید بفرمائید که تا بحال اثرات انگشت نگاری تهیه شده را

با آن ۴۱ نفر دانشجو که نام و اثرات انگشتان شان تحویل آقای فرانک

مورفی ( FRANK MORPHY ) بازرسی اداره پلیس سانفرانسیسکو

میباشد مقایسه کرده اید؟

ج: بله

س: خوب بفرمائید که نتیجه مقایسه چه بود؟

ج: بطوریکه مقایسه انگشت نگاری نشان میدهد اثرات انگشت آقای علی

وحیدی روی در چپ و در راست جلوی ماشین پیدا شده است وهم

چنین اثرات انگشت آقای محمد فیاضروی در راست جلو مشاهده



گردیده .

س: بسیار خب ، آیا شما این مقایسه را با کارت انگشت نگاری شده که در اداره پلیس سانفراسیسکو نگهداری میشود انجام داده اید؟

ج: بله .

س: آیا میتوانید شماره کارت مقایسه انگشت نگاری اداره پلیس سانفراسیسکو را که برای این اشخاص تهیه کرده اند بهم بگوئید؟

ج: شماره کارت انگشت نگاری اداره پلیس سانفراسیسکو برای آقای علی وحیدی ۲۵۳۶۲۷ است .

س: آیا این همان شمارهائی است که روی عکس نشان میدهد .

ج: بله ، همان است .

س: بسیار خب ، بفرمائید نفر دیگر چه کسی میباشد و شماره کارت مقایسه انگشت نگاریشان که در اداره پلیس سانفراسیسکو تأیید شده است چیست؟

ج: نفر دیگری آقای محمد فیاض است که شماره کارت انگشت نگاریشان ۲۵۳۶۲۴ است .

س: آیا علامت ضربدر روی مدرک شماره یک و این شماره ۲۵۳۶۲۴ روی آن صحیح است؟

ج: بله ، صحیح است .

آقای دایر: بسیار خب متشکرم

رئیس هیئت منصفه: آیا سئوالات دیگری هم میباشد که مطرح کنید؟

( بدون جواب )

رئیس هیئت منصفه: آقای کرامر باز پرس محترم از شما هم خیلی متشکرم از

شاهد هم تشکر شد که بصندلی خود برگردد .

گروهیان رابرت - دیویس ( ROBERT-DAVIS ) (

گروهیان رابرت دیویس بعنوان شاهد دیگری صدا زده شد .

رئیس هیئت منصفه: شما شرافتمندانه سوگند یاد کنید کلیه مدارکی که برای

این بازجوئی تهیه کرده اید وهم اکنون در اختیار هیئت منصفه

و دادگاه میباشد تمام وکمال صحیح است و هیچ چیز دیگری جز

حقیقت نمی باشد . امید دارم خداوند مرا یاری کند .

شاهد: بله شرافتمندانه سوگند یاد میکنم که تمام مدارک صحیح و درست

است و امید وارم که خداوند مرا یاری کند .

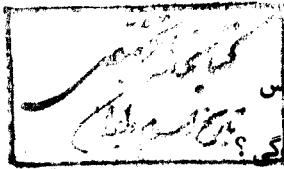
رئیس هیئت منصفه: لطفاً " بفرمائید به نشینید در پشت میزی که مجهز به

میکرفون است .

بازپرسی بوسیله آقای دایر انجام میگردد

س: لطفاً نام و نام خانوادگی خود را برای درج در پرونده دادگاه بیان

بفرمائید؟



- ج: رابرت دیویس  
س: نام خانوادگی؟  
ج: دیویس  
س: دیویس را با د-ی-و-ی-س مینویسند آیا صحیح است؟  
ج: بله صحیح است  
س: دیویس شغل شما چیست؟  
ج: گروهبان اداره پلیس سانفراسیسکو  
س: شما مامور چه محلی بودید؟  
ج: اداره پلیس شهر ریچ موند\* ( RICHMOND )  
س: توجه شما را به ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ جلب میکنم. آیا در آن تاریخ شما یک پلیس رسمی بودید و در خدمت اداره پلیس انجام وظیفه میکردید؟  
ج: بله  
س: آیا به شما تلفنی شد از محل شماره ۳۴۰۰ واقع در خیابان واشنگتن در شهر سانفراسیسکو؟  
ج: بله، تلفن شد.  
س: ممکن است بفرومائید که چه تلفنی بود و چه میگفتند؟  
ج: چندین تلفن شد که بطور رسمی ما آنها را ثبت کرده‌ایم که یکی یکی

---

\* شهر ریچ موند شهری است در حومه سانفراسیسکو

خدمتتان عرض میکنم .

۱- تلفن اول که با رمز شماره‌گذاری شده است به شماره ۱۰۱۳ گفته

شد که این رمز میگوید صحبت و گفتارها کاملا " واضح و شناخته شده نیست و معلوم نیست از طرف کجا میباشد .

۲- قبل از اینکه آدرس اولی را بگیرم تلفن دیگری شد که شماره رمز

آن ۹۱۳ بود معنی آن اینست که یک نوع جنایتی شده و شخصی احتیاج به کمک دارد .

۳- و آخرین تلفن رمز شماره ۲۱۱ بود که به اداره پلیس رسید که

بیان گر دستبرد در محلی را بود .

س: اولین چیزی که شما مشاهده کردید در موقع ورودتان به کنسولگری چه بود؟

ج: یک شعار پارچه‌ای بزرگ که توی راهرو نصب شده بود .

آقای دایر . در پرونده گزارشات منعکس شده که من مدرک شماره ۸ را ارائه

می‌دهم این مدرک کیسه پلاستیکی میباشد که محتوی یک شعار

پارچه‌ای است .

س: من این مدرک شماره ۸ را به شما نشان میدهم و خواهش میکنم که آنرا

بخوانید؟

ج: مرگبر شاه‌خائن دست‌نشانده آمریکا امپریالیستی .

س: آیا میتوانید بگوئید که این همان پلاکاردی است که جلوی در کنسولگری

دیدید؟

ج: بله

س: واین همان چیزی است که در خارج ساختمان کنسولگری آویزان شده بود

آیا صحیح است؟

ج: بله صحیح است.

آقای دایر.

س: آیا شما فقط در قسمت جلوی ساختمان رفتید؟

ج: بله

س: خوب وقتی وارد در جلوی ساختمان شدید چکار کردید؟

ج: چندین بار رنگ زدم

س: آیا کسی جواب داد؟

ج: بعد از اینکه دومین زنگ را زدم دیدم سه نفر جلوی در آمدند و گفتند

که چه می‌خواهی؟

س: بسیار خب ، بعد شما بآنها چه جواب دادید؟

ج: بهمن تلفن شد که حادثه‌ائی در این جا رخ داده و تلفن کننده در این

آدرس می‌باشد . و سپس اضافه کرد که هیچ‌گونه درگیری در اینجا وجود

ندارد و نمی‌توانم وارد شوم و تلفن کننده اضافه کرد که هیچ‌گونه ناخطار

دستگیری کسی را هم نداشتم که اسرار کنم من باید وارد کنسولگری

شوم و هم چنین افراد مستقر در کنسولگری مطالبی راجع به مصونیت

پارلمانی را متذکر شدند .

س: آیا آنها خود را از اعضاء کنسولگری معرفی کرده بودند؟

ج: بله ، آنها خودشان را جز و کنسولگری میدانستند .

س: در آن موقع چه لباسهائی در بر داشتند؟

ج: لباسهائی عادی برتن داشتند مثل شلوار تکی و کاپشن با پیروانههای

روی شلوار افتاده افرادی هم کلاه معمولی بر سر داشتند .

س: بسیار خب آقای گروهبان ، امیدوارم که شما مدرک شماره یک را برای

آزمایش نشان دهید و بعد از آن من بیک عکس که با حرف "V" بنام

مهرداد گشتاسب پور نشان داده شده است اشاره میکنم ، بعد از آن از

شما سؤال میکنم بفرمائید که آیا ایشان را آنروز جلوی در کنسولگری

دیدید یا خیر؟

ج: بله ، ایشان یکی از آن افرادی میباشند که آن روز جلوی در ورودی ظاهر

شدند .

س: بسیار خب ، خواهش میکنم دادگام این مطلب را در پرونده منعکس کند

که من مدرکی با حرف "M" نشان داده شده و بنام آقای پرویز شوکت

است بدادگاه نشان داده ایشان هم یکی از آن افرادی بودند که جلوی

در ورودی کنسولگری ظاهر شدند؟

ج: بله اوهم بود .

س: بسیار خب ، آیا شخصی دیگری را هم در این عکسهای بینید که آنروز

جلوی در ورودی کنسولگری ظاهر شده باشد؟

ج: بله، این عکس درحالیکه به حرف "P" اشاره میکرد.

س: آن شخص آقای محمد سیادت میباشد؟

ج: بله.

س: سرکار گروهبان، وقتی که شما زنگ زدید و آنها پشت در ظاهر شدند و به

شما اجازه ورود ندادند شما چکار کردید؟

ج: من تشخیص ندادم که هیچکدام از آنها از اعضاء کنسولگری باشند

و..... اما گفتم مایل هستم با کسی صحبت کنم که من او را بشناسم

سپس درخواست کردم با پلیس دیگری به طبقه پائین بروم باز هم آنها

ممانعت کردند و گفتند خیر شما نمی توانید پائین بروید ما خودمان یکی

از افرادمان را میآوریم بالا جلو در ورودی و من هم موافقت کردم که

اینطور کنند.

س: بسیار خوب، آیا شما همانجا ایستادید تا آنها یکی از اعضاء را جلوی

در ورودی بیاورند؟

ج: بله، من ایستادم تا آنها کسی را بطبقه بالا بیاورند.

س: زمانیکه جلوی در ورودی ایستاده بودید آیا هیچ سروصدا و یا شلوغی

غیر معمولی در داخل ساختمان حس کردید؟

ج: میتوانستم به بینم که روی چند تا از دیوارها چیزهایی نوشته شده که

نظیرش روی همان پارچه نوشته شده که جلوی در ورودی بود در ضمن

چند پوسترو روی دیوار ها بچشم میخورد و صدای شکستن شیشه ها توام  
با صحبت های خیلی بلند و هیجان زده بگوשמ خورد .

س: بسیار خب ، بعد شما چکار کردید . . . . . آیا شما داخل ساختمان  
شدید؟

ج: خیر ولی یکی از پاهایم لای در ورودی بود و قسمتی از بدنم هم در  
داخل ساختمان باین وصف میتوانستم گاهگاهی داخل ساختمان را به  
بینم که چه خبر است .

س: آیا بازهم در همان حالت باقی ماندید؟

ج: بله ، همانطور ایستادم

س: آیا کسی را برای کمک صدا زدید؟

ج: بله یک پلیس بکمک من آمد و باو گفتم که تلفنی به گروه تاکتیکی بزند  
و بگوید جواب بدهند .

س: خوب ما دامیکه شما پشت در منتظر جواب ایستاده بودید آیا هنوز

پای شما لای در ورودی بود؟

ج: بله یکی از پاهایم لای در ورودی بود .

س: بعد از اینکه گروه تاکتیکی وارد ساختمان شد شما هم وارد شدید؟

ج: بله وارد شدم

آقای دایر: بسیار خب متشکرم سئوالات دیگری ندارم

س: آیا شما بسایر پلیسها گفته اید که . . . آیا پلیسهای دیگری هم با پلیس



های گروه تاکتیکی بودند؟

ج: بله دونفر

س: خوب، اسم آنها چه بود؟

ج: گروهبان هاوارد واسکام فل (HOWARD و SCHAUMEFFEL)

س: آیا از آنچه تا بحال مشاهده کرده اید وهم چنین اطلاعات کسب شده

قبل از ورود همکارانتان بداخل ساختمان بآنها اطلاع دادید؟

ج: بله

آقای دایر: بسیار خب - متشکرم، سئوالات دیگری ندارم.

رئیس هیئت منصفه: آیا سئوالات دیگری هم است که مایل باشید بوسیله

بازپرسی مطرح شود؟

( بدون جواب )

آقای دایر:

س: مادامیکه جلوی در ساختمان ایستاده بودید آیا کسی از اعضاء کنسول

گری جلوی درب ورودی آمد؟

ج: خیر هیچ کس نیامد.

آقای دایر: بسیار خب، متشکرم

رئیس هیئت منصفه: خیلی ممنونم سرکار گروهبان دیویس

شاهد در این موقع از جایش بلند شد و تشکر کرد و بصندلی خود

برگشت.

گروهیان هاوارد دانیال را به عنوان شاهد دیگری بدادگاه معرفی کردند .

رئیس هیئت منصفه ؛ لطفا " دست راست خود را بلند کنید و شرافتمندانه سوگند یاد کنید کلیه مدارکی که برای این بازجوئی تهیه کرده اید که هم اکنون در اختیار هیئت منصفه میباشد تمام و کمال صحیح و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نمی باشد . امیدوارم که خداوند یاور من باشد .

شاهد : به شرافتم سوگند میخورم که تمام مدارک صحیح و عین حقیقت است امیدوارم خداوند مرا یاری دهد .

رئیس هیئت منصفه . لطفا " بفرمائید پشت آن میز که به میکرفون مجهز است به نشینید .

شاهد : متشکرم .

تحقیقات و بازپرسی بوسیله آقای دایر اجرا میشود

س : لطفا " نام و نام خانوادگی خود را بیان کنید در ضمن اسم فامیل خود را برای درج در پرونده هجی نمائید .

ج : هوارد - دانیال که هجی آن ( د - ا - ن - ی - ا - ل ) میباشد .

س : شغل جنابعالی چیست ؟

ج: گروهبان اداره پلیس سانفراسیسکو

س: در چه قسمت یا واحدی مشغول انجام وظیفه میباشید؟

ج: در قسمت تاکتیکی آنجا

س: توجه شمارا به ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ جلب میکنم. آیا شما در آنروز تقریباً

ساعت ۱۲ ظهر در ساختمان شماره ۸۵۰ واقع در خیابان براین

( BRYANT ) بودید؟

ج: بله بودم

س: آیا شما در آن روز و آن ساعت خبری از بی سیم خود دریافت کردید؟

که از ساختمان ۳۴۰۰ خیابان واشنگتن باشد؟

ج: بله دریافت کردم

س: ممکن است بفرومائید که چه خبری به شما داده شد؟

ج: گروهبان مسئول بی سیم اینطور گفت که گروهی از دانشجویان ایرانی

کنسولگری ایران را اشغال کردهاند و خواستار تعدادی پلیس در آن

محل میباشند.

س: شما بعد از آن چکار کردید؟

ج: در آن موقع ما آماده میشدیم که برویم برای شرکت در روز سازمان

جهانی ملل متحد دو جوخه در قرارگاه پلیس وجود داشت، بنا بر

این نصف هر یک از جوخهها را بسیج دادیم بطرف ساختمان دادگستری

و حرکت بطرف کنسولگری ایران.

س: بسیار خب ، وقتیکه شما وارد آن محل شدید چه اتفاقی رخ داد؟

ج: وقتیکه من وارد محل واقعه شدم گروهیان دیویس از اداره پلیس شهر ریچ موند و دو تا پلیس دیگر از گشتی‌های روز در جلوی در ساختمان کنسولگری ایستاده بودند . و آنها میگفتند چند نفری در داخل ساختمان میباشند . چون زنگ خطر اورژانس ساختمان بصدا درآمده و مرتباً تلفنهای پی در پی با اداره پلیس میشود و پلیس مذکور اضافه میکند افراد زیادی در داخل ساختمان میباشند بخاطر اینکه صدای جار و جنجال فراوانی از داخل ساختمان به خارج میرسد .

س: بسیار خب ، آیا شما در آنموقع وارد ساختمان شدید؟

ج: بله ، خودم و گروهیان اسکام فل ( SCHAMEFFEL ) سه نفر پلیس بطرف در ورودی جلو و دو نفر پلیس دیگر هم بطرف در عقب ساختمان رفتند . که مجموعاً پنج نفری با گروهیان دیویس رفتیم بطرف در ورودی جلوی کنسولگری و شروع کردیم به در زدن .

س: بسیار خب آیا وارد ساختمان شدید؟

ج: بله ، در ساختمان بوسیله کسی باز شد که او را میشناختم و علت شناسائی منم برای این بود که آن شخص راهنما و کارگردان چندین دمنستراسیون ایرانی‌ها بر علیه شاه بود . و قبلاً او را دیده بودم .

س: بسیار خب ، حال مدرک شماره یکرا برای تشخیص هویت به شما نشان میدهم و از شما میخواهم که آن شخص را از روی این عکسها به من

نشان بدهید؟

ج: این آقا ..... منظورم این عکس که با حرف "M" نشان داده شده است.

س: حرف "M"، آقای پرویز شوکت؟

ج: بله. خود ایشان قدری در را باز کردند و محکم در را از پشت نگهداشته بودند، و میگفتند که پلیس حق داخل شدن را ندارد تا زمانیکه یک اجازه نامه رسمی برای داخل شدن ارائه دهند و شروع کرد به بستن در پولیسی که جلوی من ایستاده بود بنام لی گاری (LIGOURI). سعی میکرد که در را هل بدهد و باز کند در اینموقع چندین نفر از دانشجویان که در این دموتستراسیون شرکت کرده بودند از پشت در فرار کردند زیرا آنها در حال فرار از پشت شیشه دیده شدند که جمعا حدود شش نفر بودند بعضی از دانشجویان ناگهان شروع کردند به کشیدن دست و پای پلیس لی گاری چون بزور در را باز کرده بود در این موقع ما شروع کردیم تمام افراد را در یک اطاق دور هم جمع کنیم در حدود پنج نفر را بدرون آن اطاق کشانیدیم، اما آن کسی که با پلیس لی گاری در نزاع بود یک زد و خورد شدیدی داشت و او پلیس لی گاری را چنان بزمین زد که او طاقت روی پا ایستادن را نداشت در این اثناء پلیس دیگری بکمک لی گاری آمد و آن شخص را که بنام آقای پرویز شوکت بود دستبند زدند.

س: بسیار خب ، بعد از اینکه آن افراد در یک اتاق جمع شدند چکار کردید؟

ج: پریدم و یک نفر دیگری را هم که در حال عبور کردن از هال بود گرفتم در اینموقع دیدم که یک نفر پرید و از پله ها پائین رفت و نفر دیگری بطرف من میآید که او را هم دستگیر کردم و بردم داخل همان اتاقی که تمام در آن جمع شده بودند . ولی او میگفت که کارمند کنسولگری است و هم اکنون از چنگال دانشجویان از طبقه پائین فرار کرده است .

بنا براین از او خواستم که همراه من بیا و سایر کسانی که به این کنسولگری متعلق نیستند نشان بدهد . سپس با یکدیگر شروع کردیم به راه رفتن در سایر قسمت های دیگر او برای پلیس توضیح میداد که در انتهای هال آشپزخانه است که دو نفر مستخدم در آنجا میباشند یکی شوfer دیگری آشپز میباشد ما آنها را چک کرده ایم و هیچ کس دیگری در آنجا نیست . و هم چنین سایر اتاقها را هم من چک کرده ام و هیچ کس دیگری جز افرادی که متعلق به کنسولگری میباشد در آنجا نیست .

از این رو از آن کارمند کنسولگری جدا شدم و شروع کردم با گروهیان اسکام فل به صحبت کردن با او گفتم که یک نفر را دیدم فرار کرد رفت پائین بیا برویم او را هم دستگیر کنیم ، سپس ما از پلهها پائین

- رفتیم و گروهبان اسکام فل به من گفت تو برو پائین وقتی که وارد شدی به پیچ سمت چپ برو بطرف اتاق کارمندان .
- س: بسیار خب ، باید اول از پلهها پائین رفت بعد دست چپ به پیچید
- آیا اینطور نیست؟
- ج: بله ، صحیح است .
- س: آیا شما اولین پلیس بودید که به طبقه پائین رفتید؟
- ج: سرکار گروهبان اسکام فل و من تقریبا همزمان میرفتیم پائین پلهها و او سمت راست من در حرکت بود . در کنار آخرین پله قبل از اینکه به پیچم شخصی آنجا خودش را مخفی کرده بود .
- س: بسیار خب ، ما حال این عکس را که با حرف "P" نمایش داده شده است بنام آقای محمد سیادت به شما نشان میدهم بفرومائید به بینم این همان شخص نبود؟
- ج: بله ، همان شخص بود
- س: بعدش چطور شد وقتی خواستید به پیچید؟
- ج: گروهبان اسکام فل فرمان داد که آن شخص برود طبقه بالا ، او گفت خیر ، نه و پرید نرده پشت سر را گرفت و من یک پله دیگر هم پائین آمدم بطوریکه بتوانم باو برسم در اینموقع کسی که از جلوی نظرم دور بود و او را نمیدیدم و در گوشه‌ئی پنهان شده بود پرید و مچ پای مرا گرفت و بطرف پائین کشید .

س: آیا دیدید چه کسی بود؟

ج: بله این شخص آقای علی طاهری بود

س: آیا مطمئن هستید؟

ج: تازه یکنفر دیگری هم همراه او بود که پای چپ و باطوم مرا که در دست

چپم بود گرفت و آن شخص هم محمد ..... اوه ..... بله

حرف "X"

س: منظورتان آن عکس است که با حرف ایکس " (X) " نشان داده شده

است و آقای محمد فیاض میباشد؟

ج: بله، این دو نفر پاهای مرا میکشیدند و آن شخص اول که نام بردم

مرتب با لگد بسرو رویم میزد تا به آخرین پله رسیدم و آقای علی

طاهری پرید روی سینهام و .....

س: آقای علی طاهری؟

ج: ..... و شخص دیگری هم که در انتهای پلهها ایستاده بود

که با حرف "J" نشان داده شده است شروع کرد به .....

س: آیا حرف "J" آقای فرد کسرار ( FRED-KASRAR ) میباشد؟

ج: بله، آقای فرد کسرار است که شروع کرد به جیغ زدن " تفنگش و بگیر

تفنگش را بگیر در این اثناء آقای علی طاهری پرید و دست برد طپانچه

مرا گرفت و کاملاً سروته کرد بطوریکه بعد از آن مجبور شدم با فشارهایی

که میداد طپانچم را در بیاورم و طپانچه را در یک دستم و در دست



دیگر باطوم و این اشخاص که با حرفهای "Q" و "X" نشان داده شده آقایان علی طاهری و محمد فیاض بودند یکنفرشان مرا میکشید و نفر دیگر روی سینمام نشسته بود مرتب بسرو رویم میزد و آقای دیگری هم که با حرف "P" نشان داده شده به محض رسیدن به پائین پلها شروع کرد به لگد زدن توی سرم .

س: آیا آن شخص محمد سیادت است؟

ج: صحیح است . در خلال مدتی که من بطرف پائین پلها کشیده میشدم مرا باتاقی بردند که یک گروه دیگر در آنجا جمع بودند ، این اتاق در قسمت پائین ساختمان قرار دارد . . . . . گروهبان اسکام فل خودش را پائین پلها رساند و بین من و همکارم و سایر افراد داخل اتاق قرار گرفت و شروع کرد به پس زدن جمعیت با باطوم . در اینموقع پلیس دیگری بنام ویلیامز ( WILLIAMS ) بعداز من فورا پائین آمد و چند تای محکم توی سر آقای علی طاهری زد که ایشان افتادند و شخص دیگری جلو آمد زدم توی سینهاش و بلندش کردم در ضمن پلیس لی گاری هم در طبقه پائین همراه ما بود . پلیس ویلیامز آن شخص را که هنوز روی سینه من بود بلند کرد در آنموقع من کاملا روی زمین خوابیده بودم و پلیس لی گاری جلو آمد و با زدن لگد به کتف و سینه او را هم نقش بر زمین کرد و پلیس لی گاری پرید داخل اتاقی که دیگران جمع بودند .

س: بسیار خوب ، وقتی که شما وارد آن اتاق شدید چه چیزی دیدید؟

ج: یک زرد و خورد باور نکردنی مثل جنگ تن به تن ..... وقتی

من وارد آن اتاق نسبتا بزرگ شدم شخصی جلوی در ایستاده بود

اندازه آن اطاق تقریبا از اینجا تا آن اتاق بود .

س: این فاصله را که شما برای اندازه اتاق به من نشان دادید باین اندازه

است؟

ج: قدری بیشتر تا آن نرده ها .

س: تا آن نرده ها؟

ج: در ضمن اینکه با دست اشاره میکرد گفت امکان دارد که قدری هم

بزرگتر باشد و وقتی که من وارد اتاق شدم دیدم شخصی در سمت چپ

من ایستاده و در حالیکه با انگشت نشان میداد اشاره به حرف "X" کرد .

س: آن آقا محمد فیاض است؟

ج: بله ، محمد فیاض او یک شئی شبیه پایه صندوقی در دست داشت و

مرتب به اطراف میگردد و به محض اینکه باو نزدیک میشدم با آن مرا

تهدید میکرد و گفت دیدی چه بلائی بسر پلیس لی گاری آمد؟ این

شخص بویژه آن شخصی است که در آن موقع میگفت طیپانچماش را بگیر

همان شخصی است که عکس او با حرف "J" نمایش داده شده است .

س: آقای فریدون کسرائی؟

ج: بله ایشان در آن اتاق کوچک در سمت چپ ایستاده بود و به محض

اینکه وارد اتاق شدم او یک صندلی کار را بطرفم پرت کرد و فریاد زدم دست نگهدار صندگی خورد به دیوار کنار دست من - متشکرم س: وقتی شما بیان میکنید که یک صندلی کار منظورمان یک صندلی چوبی با یک صندلی فلزی است؟

ج: یک صندلی معمولی اداری که پشتش صاف میباشد و نظیر آن اینجا نیست .

س: بسیار خب ،

ج: بله یک صندلی فلزی پشت صاف و آن را بطرف من پرتاب کرد و من جا خالی دادم که بدیوار سمت راست من خورد

و در سمت راست من یک نفر دیگری هم روی میز ایستاده بود- درست متوجه نشدم که آیا روی میز ایستاده یا روی صندلی - ولی میدانم که او از تمام افراد بالاتر ایستاده بود و فکر میکنم این آقا باشد . در حالیکه به حرف "C" اشاره میکرد .

س: حرف "C"

ج: بله حرف "C" همین آقا که فرود پاینده جو را نشان میداد

س: آقای فرود پاینده جو؟

ج: بله ایشان - در ضمن ایشان هر چیزی جلوی دستشان میآمد پرت میکرد از قبیل جعبه‌های فلزی کوچک پرونده نظیر آنکه روی میز سکرترها است - زیر سیگاری ماشین کاغذ سوراخ کن - جعبه استامپ - خلاصه

هر چیز که قابل بلند کردن باشد پرتاب میشد .

ب: دستگاه ماشین دوخت چطور؟

ج: آنهم به هم چنین ولی هر چیز که در روی یک میز دیده میشد پرتاب شد حتی صندلی و یک جعبه فلزی پرونده سه طبقه که کشوی فایل‌های آنها را از جعبه خارج و پرتاب کردند . من بسرعت خود را طرف مقابله با آن شخص کردم و او را مجدداً به عقب توی اطاق بغلی فرستادم و در آن موقع باطوم الکتریکی‌ام را بیرون کشیدم و اینجا بود که متوجه شدم در حدود ۲۰ نفر در اطراف من ایستاده‌اند .

س: سر کار گره‌بان بفرمائید باطوم الکتریکی چیست؟

ج: باطوم الکتریکی وسیله‌ای است که گاز اشک آور را بطریقه مایع به مردم می‌پرانند که با اصابت به هر فرد آن شخص برای مدتی از جنب جوش می‌افتند . بنا بر این افرادی که در این اتاق جمع شده بودند تمامشان اشیاء روی میزها را بطرف من پرتاب میکردند مجدداً شروع کردم بزدن افراد با باطوم الکتریکی و تمام را مجبور کردم که بطرف آن دو اتاق پائینی بروند . بغیر از آن شخصی که روی میز ایستاده بود و با پلیس لی‌گاری در نزاع بود . و صدای جیغ و فریاد سکرترها هم چنان ادامه داشت و میگفتند بگذار ما برویم بیرون و کنسول بار هم در بین آنها دیده میشد که پائین آمد و گفت که کارمند اینجاست و در گرم آگرم شلوغی آنجا را ترک کرد . ما مجبور کردیم که دانشجویان بزرگرددند توی

اتاق ولی هنوز سه نفر بودند که با ما مقاومت میکردند که یکی از آنها با بازوان قوی و جثه خیلی بزرگ روی میز ایستاده بود و صندلی را میچرخاند تا بطرف ما پرتاب کند .

س: آیا منظورتان این شخص است که با حرف "X" نشان داده شده است .  
( آقای محمد فیاض ) ؟

ج: حرف "X" بله این آقا که کلی وقت و انرژی از ما گرفت تا سرانجام ایشان را هم مطیع کردیم ولی این آقای "J" مجددا بطرف عقب پرید .

س: حرف "J" چه کسی میباشد؟ آیا فریدون کسرائی است؟

ج: بله ،ایشان دویدند توی این اتاق و با یک زیر سیگاری خیلی بزرگ که از سیرامیک ساخته شده بود بیرون آمد و بطرف ما پرتاب کرد و پس از اصابت بدیوار برگشت بطرف در اتاق و افتاد روی زمین و باو اخطار کردم چنانچه چیز دیگری پرتاب کند او را با یک ضربه خاموش خواهم کرد در اینموقع او ساکت شد و رفت در یک گوشه ایستاد و من اتاق را مجددا ترک کردم .

در اینموقع افرادی که داخل آن اتاق بودند شروع کردند به بیرون آمدن و منمهم با باطوم الکتریکی پریدم آنجا و آنها مجددا به داخل اتاق رفتند و ترجیح دادند که تمام آنها را روی زمین بخوابانند و دستبند بزنند چون افراد دیگری هم هنوز هستند که باید آنها را

خاموش کرد و دستبند زد سر انجام آن شخص که با حرف "C" نشان داده شده همان آقای فرود پاینده جو میباشد . او را هم بداخل اتاق روانه کردند تا اینجا اوضاع قدری خوب بود و افراد در کنترل بودند بغير از این آقا حرف "J" .

س: آقای فریدون کسرائی که چندین بار نامش ذکر شد؟

ج: بله، ایشان در آن اتاقی که بودند صندلی را بر داشتند و شروع کردند به خرد کردن پنجره‌ها که با اخطار من دست نگهداشت .

س: کدام اتاق بود که پنجره‌ها یش را خرد کردند اتاق سمت چپ یا راست؟

ج: اتاق سمت چپ طرف جنوب ساختمان آنکه بطرف خیابان است .

س: بسیار خب و .....

ج: او صندلی را رها کرده و بطرف من آمد که یک ضربه قوی توی گردن او زدم

و پرید باطوم مرا گرفت و منهم او را به بیرون هل دادم در این موقع

پلیس ویلیامز یک ضربه دیگر کاری باوزد و او را خاموش کرد و بداخل آن

اتاقی برد که همه آنجا بودند منظورم همان اتاقی است حدود ۲۰

تا ۳۰ نفر زن و مرد دستگیر شده در آن جمع شده بودند .

س: بسیار خب بعد از تمام این ها ..... بعد از اینکه درگیری ها

در زیر زمین تمام شد با آن افراد که باز داشت شده بودند چکار کردید؟

ج: دو نفر از پلیسها را که در مقابل درب عقب ساختمان متمرکز شده

بودند صدا زدم بیايند داخل ساختمان که یکی از آنها خودش آمده

بود و دستگیر شدگان را بزور بصف کرده تا بروند بطرف اتاق بالا . در همان اتاقی که قبلا ۶ نفر را در آنجا بازداشت کرده بودیم .

س: بسیار خب - پلیسها در اتاقهای طبقه فوقانی هم مثل طبقه زیر زمین بودند اینطور نیست؟

ج: بله ، دو نفر پلیس از شهر ریج موند و یک نفر از واحد ضربت در طبقه بالا بودند .

س: بسیار خب ، شما پلیسها را طوری آرایش دادید که وقتی افراد دستگیر شده را از یک اتاق به اتاق دیگر توضیح اینکه از طبقه پائین به طبقه بالا میبردید آنها نتوانستند از ساختمان خارج شوند و هیچ کس هم نتوانست صف آنها بهم زند آیا صحیح است؟

ج: بله ، آنها طوری پشت گردن هم حرکت میکردند بطرف طبقه بالا که نمی توانستند خطا کنند .

س: بسیار خب . آیا وسیله نقلیهائی آماده گردید که آنها را به قرارگاه منتقل کنند؟

ج: بله ، من این کار را کردم

س: بسیار خب ، آیا شما آن وسیله نقلیهائی را که برای حمل دستگیر شدگان آمده بود باز دید نمودید؟

ج: بله هر وسیله که میآمد من درهای آنها را باز میکردم و داخلش را میدیدم که خالی باشد بعد میرفتم داخل ماشین و به پلیسها میگفتم

که افراد را بیاورند داخل ، نا گفته نماند که پلیسها افراد را انتخاب میکردند چون تعدادی از این دانشجویان بلا انقطاع در حال نزاع بودند بالاخص در موقع سوار شدن بر ماشین بطوریکه حتی یک نفر هم با آرامش سوار نشد هر لحظه که یک نفر از آنها را جدا میکردند سوار ماشین شود چند نفری میبپردند روی آن شخص و پلیس همراه او بطوریکه برای هر شخص نزاع جدیدی در میگرفت .

س: بسیار خب گروهبان ، من یک مدرکی که بشماره A-5 میباشد به شما نشان میدهم این مدرک عکس هوائی است که از کنسولگری گرفته شده خواهش میکنم که به من بگوئید آنچه که در این عکس دیده میشود همان چیزهائی است که شما دیدهاید؟

ج: بله ، فکر میکنم که این ماشین دومی باشد چون ماشین اول که برای حمل دستگیر شدگان آمده بود عقب عقب با زاویه وارد این سرازیری شد بطوریکه کاملاً پشت ماشین بطرف در ساختمان واقع شد .

آقای دایر : متشکرم سر گروهبان سئوالات دیگری ندارم .  
رئیس هیئت منصفه : آیا شما سئوالات دیگری دارید که توسط آقای باز پرس دادگاه مطرح کنید ؟ ( بدون جواب )

آقای اوئن :

س: سرگروهبان من یک سؤال دارم آیا شما بخاطر میآورید حرف "V"  
که آقای مهرداد گشتاسب پورا است برای بار دوم مورد تأیید شما میباشد .



ج: بله، ایشان جلوی صحنه بود ولی بی اندازه هیجان زده بودند از قرار معلوم ناطق گروه هم بودند بعلت اینکه مرتب سعی میکردند که با خبر — نگاران صحبت کنند .

س: منظور آقای گشتاسب پور است؟

ج: بله، آقای محمد گشتاسب پور است .

آقای اوئن : متشکرم

رئیس هیئت منصفه : خیلی از شما متشکرم سرکار گروهبان

شاهد : خواهش میکنم . واز او خواسته شد که به صندلی خودش مراجعت کند .

### لوئیس لی گاری ( LOUIS LIGOURI )

شاهد بعدی آقای لوئیس لی گاری است که بعنوان شاهد به دادگاه فرا خوانده شد ما است .

رئیس هیئت منصفه لطفا دست راست خود را بلند کنید و شرافتمندانسه سوگند بخورید که هر گونه مدارکی تهیه کرده و در اختیار دادگاه قرار خواهید داد تمام و کمال صحیح و درست است و هیچ چیز دیگر جز حقیقت نمی باشد امیدوارم که خداوند مرا یاری کند .

شاهد : سوگند یاد میکنم که تمام مدارک تهیه شده تمام کمال عین حقیقت است .

رئیس هئیت منصفه: بفرمائید بیشینید در آن قسمت از میز که میکرفون است .

باز پرسى بوسيله آقاى داير ( DAWYER )

س: لطفا نام و نام خانوادگی خود را بفرمائید در ضمن نام و خانوادگی

خودتان را برای درج در پرونده هجی فرمائید .

ج: لوئیس - لی گاری      ل - ی - گ - ا - ر - ی

س: شغل شما چیست؟

ج: پلیس شهر سانفراسیسکو

س: آیا شما در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ کارمند رسمی اداره پلیس سانفراسیسکو

بودید؟

ج: بله ، بودم

س: آیا ممکن است به من بفرمائید شما جواب تلفنی را دادید که تقریبا

در ساعت ۱۲ : ۲۵ یا ۱۲ : ۲۰ از محل کنسولگری ایران زده شده بود؟

ج: بله من جواب دادم .

س: آیا میتوانید به من بگوئید وقتی که وارد آن محل شدید چه چیزی

دیدید؟

ج: وقتیکه ما به محل کنسولگری رسیدیم پلیس قرار گاه ریچ موند را که از

قبل او را میشناختم با لباس ساده دیدم و هم چنین چند تا پلیس

دیگر بنامهای آل - پری ( AL-PERRY ) و گروهان دیویس و یک

نفر دیگر که در جلوی کنسولگری ایستاده بودند .

س: آیا شما خودتان نزدیک در ورودی ساختمان رفتید؟

ج: بله من و گروهبان دیویس رفتیم . . . . . دو نفر پلیس دم در آنجا ایستاده بودند به محض اینکه ما متوجه شدیم نصف کمتر در باز است و قدری هم در ترک خورده . گروهبان دیویس سعی کرد که با کسی از داخل ساختمان صحبت کند .

س: بسیار خوب ، چه کار دیگری در آنموقع انجام دادید؟

ج: من رفتم جلو و مستقیماً پشت سر گروهبان دیویس ایستادم که کاملاً مقابل در ورودی بودم .

س: دیگر چه شد آیا اتفاقی هم در آن موقع رخ داد؟

ج: بله دیدم گروهبان دیویس آنجا ایستاده و با کسی داشت صحبت میکرد و در ورودی هم بصورت غیر عادی جلو و عقب میرفت منم دستم را لای در گذاشتم و بدر تکیه کردم و شروع کردم با افراد پشت در صحبت کردن و خواستم که قدری در را باز کنند در این حال که در بیشتر باز شده بود . آرنجم را بیشتر داخل در گذاشتم تا بنحوی که احساس کردم داخل ساختمان شدم ام ولی یک نیروی دیگری مرا بطرف خارج هل داد بطوریکه سه تا پله به عقب رفتم .

س: بعد چکار کردید؟

ج: منم متقابلاً هل دادم و گفتم در را باز کن .

- س: بسیار خب باطوم شما در آن موقع کجا بود؟
- ج: فکر میکنم باطوم توی دست راستم بود و با دست چپ در را هل میدادم .
- س: بسیار خب بعد چطور شد وقتی که برای بار دوم در را هل دادید؟
- ج: قدری در رفت عقب ترومن داخل تر شدم و به محض اینکه باطوم رفت بالا ماطومم را گرفتند .
- س: بسیار خب با این وصف شما چکار کردید وقتی باطومتان را گرفتند؟
- ج: مرا بداخل کشیدند و خوب زدند
- س: بعد از کتک خوردن باطومتان را دست کسی دیدید؟
- ج: بله دیدم .
- س: ممکن است باین مدرک شماره یک نگاه کنید و بگوئید که کدامیک از این افراد بودند؟
- ج: ایشان در حالیکه به حرف "M" اشاره میکرد .
- س: بسیار خب ، آقای پرویز شوکت است؟
- ج: بله
- س: بسیار خب بعد چه شد؟ بند باطوم که دور دست پیچیده میشود هنوز دور دستتان بود آیا صحیح است؟
- ج: بله صحیح است .
- س: بسیار خب ، آیا دست این شخص بود؟

ج: بله آقا ایشان مرا بداخل کشیدند به محض اینکه باطوم من سرش از لای در تو رفت باطوم مرا گرفتند و بداخل کشیدند بنا بر این منم همراه باطوم بداخل کشیده شدم .

س: بعد از آنموقع چه اتفاقی افتاد؟

ج: سعی کردم باطوم را پس بگیرم .

س: بسیار خب میتوانید بفرمائید که چه درگیری بین شما و آقای شوکت رخ داد؟

ج: بله آقا ، من سعی داشتم که باطوم را از دست آقای شوکت بیرون بکشم و ایشان باطوم مرا دو دست چسبیده بود و میخواست مرا با باطوم خودم بزند . بهر حال موفق شدم که باطوم را از دستش بیرون بکشم ولی هنوز دو تا دستش در وسط باطوم بود و سعی داشت که مرا عقب بزند و منم در مقاومت متقابل بودم که باطوم را از دستش بیرون بیاورم .

در خلال این کشمکش سرانجام به پلهها بر خورد کرد و زخمی شد و پائین افتاد اما هنوز ول کن نبود و همواره می جنگید . تا سرانجام باطوم مرا گرفت و وقتیکه در سدد آن بودم که از دستش بگیرم شروع کرد بطرف پائین پلهها رفتن که من پاهایم را گذاشتم مقابل زانوهایش و شروع کرد به یوری پائین رفتن در اینموقع باطوم از دستش در آمد ولی هنوز هم دست بردار نبود و شروع کرد به من لگد زدن که چند نای آن به قسمت پائین بدنم خورد که خوشبختانه چرخیدم و به

نقطه حساس بدنم اصابت نکرد ما در حدود یک یا دو دقیقه در زد و خورد بودم که او مرتب به من می پیچید و مرا مجبور کرد که متوسل به زور شوم و از باطوم استفاده کنم و ضربهائی با باطوم عمودی وار توی سینماش زدم تا اینکه او دست از مقاومت کشید .

در آنموقع او کاملاً باطوم را رها کرده و کشمکش تمام شده بود و او را در دستهایم داشتم و محکم شانه و بازوهایش را نگهداشته بودم ولی برایم مشکل بود که یکی از دستهایم را ول کنم و او را دسبند بزنم چون دستبندم در سمت راست پشت کمرم بود .

س: شما گفتید سمت راست؟

ج: بله ، سمت راست کمرم در این موقع پلیسی که از قرار گاه ریج موند با لباس عادی در آن جا بود و به من کمک کرد و دستبند خودش را در آورد و باتفاق او را از پشت دستبند زدیم . بعد شانه های او را گرفتم و از زمین بلندش کردم و تحویل پلیس ریج موند دادم زمانیکه مشغول تحویل دادن این شخص به پلیس ریج موند بودم دیدم که تعداد زیادی از این دانشجویان مرا هم به اتاق دیگری منتقل میکنند .

س: بسیار خوب ، آیا شما در آنموقع هیچ شنیدید که کسی از پلیسها گریه بکند و همکارانش را به کمک بطلبد؟

ج: بله آقا ، چند دقیقهائی بعد شنیدم

س: بعد چکار کردید؟

- ج: بلافاصله به نقطه‌ای رفتم که صدای تقاضای کمک می‌آمد .
- س: از کجا صدا می‌آمد؟
- ج: در طبقه پائین پله‌ها در نقطه‌ای که آشپزخانه متصل به هال میشود فکر میکنم این نقطه محل کار و دفتر کارمندان است .
- س: بعد از آن وقتی شما بطبقه پائین رفتید چه دیدید؟
- ج: اولین چیزی که دیدم دانشجویان بودند .
- س: شما فرمودید دانشجویان؟
- ج: موضوعی که من در اینجا به آن اشاره کردم همان دانشجویان میباشد .
- س: ره یک نفر توضیح میدهید که دستگیر شده‌اند؟
- ج: در پائین پله‌های هال مشاهده نمودم که دو نفر از دانشجویان گروه‌بان ها وارد ( HOWARD ) را روی زمین خوابانده و رویش ایستاده و او را میزنند .
- س: خوب بعدش در آن موقع شما چکار کردید؟
- ج: و همین طور به پائین رفتن ادامه میدادم بعد از اینکه چند پله پائین رفتم یک پا گردی روی پله است که باید به سمت چپ چرخید و هنوز پله‌ها تمام نشده بود که دیدم پلیس و یلیامز جلوتر از من رسیده و خودش را در کنار گروه‌بان ها وارد رساند .
- س: بسیار خب ، آیا شما کسی از آن دو نفر را زدید که مشغول نزاع با پلیس‌ها وارد بودند؟

- ج: بله آقا زدم
- س: ممکن است نشان بدهید کدامیک از آنها را زدید؟
- ج: فکر میکنم این آقا را در حالیکه به عکس آقای علی طاهری اشاره میکرد.
- س: آیا شما بعد از اینکه ایشان را زدید آنجا را ترک کردید و رفتید به اتاق اصلی؟
- ج: بله آقا، رفتم
- س: بسیار خوب، وقتی که وارد شدید آنجا چه دیدید؟
- ج: بطور تحت و الفظی بگویم مثل یک جنجال خانه.
- س: بسیار خوب میتوانید بگوئید که در داخل آن اتاق شما چه دیدید و چه اتفاقی افتاد؟
- ج: گروهبان اسکام فل که از قبل در آن جنجال شرکت داشت تنهایی آنجا حضور داشت و ایشان سعی داشتند که تعدادی دیگر از دانشجویان را که قبلا دستگیر کرده و در وسط اتاق بودند به اتاق دیگر منتقل کند ایشان سعی داشتند آنها را به عقب بفرستند که باتاق عقبی برگردند.
- س: آیا شما کسی را دیدید که شئی را به شما یا به پلیس دیگری پرتاب کند؟
- ج: بله آقا، انواع و اقسام اشیاء محکم که از هر جا گیر دستشان میآمد مثل رگبار بطرف ما پرتاب میکردند.
- س: بسیار خوب آیا میتوانید بکسی اشاره کنید که چیزی بطرف شما پرتاب



کرده باشد؟

ج: بله آقا، سه نفر از افراد یک‌ه‌اشیاء بطرف من پرتاب میکردند بیاد دارم.

س: ممکن است به آنها اشاره کنید؟

ج: بسیار خوب بگذارید از بالا شروع کنم عکسی که با حرف "C" نشان

داده شده است.

س: آیا آن عکس شماره ۶۷۳ میباشد؟

ج: بله

س: آن یک عکس شناخته نشده است؟

ج: بله آقا، من سعی کردم که او را بفرستم بطرف آن اتاقی که همه هستند

در این اثناء او پرید روی شانه من و یک صدای عجیبی داد.

س: بسیار خوب

آقای اوئن: عکسی که با حرف "C" نشان داده شده آقای فرود پاینده جو

میباشد آیا اینطور نیست؟

شاهد: بله آقا

آقای دایر: بسیار خوب آیا کسی دیگر چیزی بروی شما پرتاب نکرد؟

ج: چرا آقا، آن دو نفری که با حرف "X" و "L" نشان داده شده

است.

س: بسیار خوب، آیا میتوانید توضیح بدهید عکسی که با حرف (X) ایکس

نمایش داده شد آقای محمد فیاض است چه چیزی بطرف شما پرتاب

می‌کرد؟

ج: بله، ایشان یک صندلی چوبی بطرف من پرتاب کردند که آن بر خورد کرد به پاهای من و چند لحظه دیگر دست برد و اینبار یک صندلی فلزی را برداشت که پرت کند با و گفتم که بهتر است پرت نکند البته توام با تهدید و او هم منصرف شد. صندلی را زمین گذاشت.

س: بسیار خب، آیا سر انجام آن شخص فعال را خاموش کردید؟

ج: بله البته، سر انجام پس از یک سری زد و خورد ساکت شد.

س: خوب آیا کسانی دیگر هم چیزی بطرف شما پرتاب کردند؟

ج: بله آقا این شخص که عکسشان با حرف "LIL" و شماره ۶۲۹ نشان داده شده است.

س: آن شخص آقای اکبر حاجریان است آیا بخاطر دارید ایشان چیزی بطرف شما پرتاب کند؟

ج: درست بیاد نمی‌آورم ولی شئی صاف و خاکستری رنگی بود که پس از پرتاب درست اصابت کرد به وندهای زیر قلبم. سپس من تسلیم شدم و دستهایم را بالا بردم و پس از اینکه آن شیء بزمین افتاد دیدم که پایه میکروفون است.

س: بسیار خب، فرمودید یک شیئی صاف و سخت و خاکستری که سر انجام معلوم شد پایه میکروفون است؟

ج: بله، آقای باز پرس

آقای دایر : بسیار خب متشکرم آقای پلیس من سئوالات دیگری ندارم  
شاهد : بله . بسیار خب .

رئیس هیئت منصفه : پلیس لی گاری خیلی از شما ممنونم .  
شاهد : بله آقا

آقای اوئن : از دادگاه تقاضا دارم که در پرونده منعکس کند آقای علی اکبر  
هنوز هم جزو افرادی هستند که برای پاسخ به سئوالات این دادگاه  
سوگند یاد کرده اند .

دادگاه مجددا مرتضی علی اکبر را بعنوان شاهد صدا کرد و برای سئوالات  
بعدی ، باز پرسى بوسیله آقای اوئن ادامه دارد :

س : آقای علی اکبر یک سئوال از قلم افتاده است که مطرح میکنم که این  
سئوال مربوط به آقای عباس بر خور دار است آیا شما ایشان را در  
داخل منزل سر کنسول دیدید؟

ج : بله

آقای اوئن : متشکرم سئوال دیگری ندارم

رئیس هیئت منصفه : آقای علی اکبر خیلی متشکرم

ک نیتز - ویلیامز ( KENNETH . WILLIAMS )

ک - ویلیامز بمنزله شاهد به دادگاه فرا خوانده شد .

رئیس هیئت منصفه : آیا ممکن است دست راست خود را جهت اداری سوگند ببلند

کنید . و بفرمائید که شرافتمندانہ سوگند یاد میکنم کہ کلیہ مدارک و اسنادی کہ تهیه کرده‌ام و تحویل ہئیت منصفہ و دادگاہ گردیدہ است تمام صحیح و درست است و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نمی‌باشد امیدوارم کہ خداوند مرا یاری کند .

شاهد : بلہ ، سوگند یاد میکنم و اعتراف میکنم تمام مدارک و اسناد تهیه شدہ عین حقیقت میباشد خداوند مرا یاری کند .

رئیس ہئیت منصفہ : لطفا بفرمائید پشت آن میز بنشینید کہ مجهز بہ میکروفون است .

باز پرسی بوسیلہ آقای دایر اجرا میشود

س : لطفا نام و نام خانوادگی خود را برای درج در پروندہ بگوئید و نام خانوادگی خود را ہجی نمائید؟

ج : نام کی نیتز - ویلیامز کہ ہجی آن و - ی - ل - ی - ا - م - ز

س : شغل شما چیست؟

ج : پلیس ادارہ سانفراسیسکو .

س : برای چہ قسمتی کار میکنید؟

ج : من در قسمت تاکتیکی ادارہ پلیس مشغول کار ہستم .

س : آیا شما در روز ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ در آن ادارہ مشغول کار بودید؟

ج : بلہ بودم

س : آقای پلیس من توجہ شما را بہ ساعت تقریباً ۱۲ ظہر آن روز جلب

میکنم آیا کسی تلفنی با شما از کنسولگری ایران تماس حاصل کرد وقتی

که شما در ساختمان شماره ۸۵۰ خیابان برایننت بودید؟

ج: بله

س: بعد از اینکه شما وارد محل شدید آیا از پلها پائین رفتید و داخل

زیرزمین شدید؟

ج: بله

س: میتوانید بفرمائید قبل از اینکه به پائین پلها برسید و بسمت چپ

گردش کنید چه چیزی دیدید که شما را به پائین پلها کشید؟

ج: من دیدم که گروهبان ها وارد در پائین پلها بروی پشت افتاده و یکنفر

هم رویش نشسته و با مشت های متوالی به سر و روی او میزند و یک نفر

هم پایهای گروهبان ها وارد را گرفته و به پائین میکشید تا به برد به اتاق

دیگری .

س: بسیار خب شخصی که روی او نشسته بود آقای علی طاهری است که عکسشان

را بحرف "Q" نمایش داده اند سرکار گروهبان ها وارد آیا ایشان همان

کسی است که روی شما نشسته بود؟

ج: بله ایشان بودند .

س: حرف "P" که آقای محمد سیادت میباشد به شما نشان میدهم بفرمائید

آیا ایشان همان کسی است که سر شما را گرفته بود و لگد به سرتان

میزد؟

ج: فکر میکنم همان شخصی باشد که من دیدم .

س: بعد از اینکه شما به پائین پله‌ها رفتید چکار کردید؟

ج: وقتی که من رسیدم به پائین پله‌ها آقای علی طاهری نشسته بود روی

گروهبان هاوارد و با تلاش فراوان میخواست او را خلع سلاح کند و

طپانچه هم قدری از جایش خارج شده بود . در اینموقع با باطوم

روی دستش زدم که طپانچه را رها کند و سپس یکی دیگر باو زدم بلکه

از روی سینه گروهبان هاوارد پائین بیاید و خاموش شود .

س: بسیار خب آیا شما شنیدید که کسی فریاد بزند که تفنگش را بگیر

تفنگش را بگیر؟

ج: بله شنیدم .

س: من به حرف "J" اشاره میکنم (فریدون کسرائی ) آیا ایشان بودند

که فریاد میزدند تفنگش را بگیر - تفنگش را بگیر؟

ج: بله ، ایشان بودند .

س: بسیار خب بعد از اینکه شما آقای علی طاهری را خاموش کردید آیا

باتاق اصلی رفتید؟

ج: بله .

س: وقتی که وارد اتاق اصلی شدید چه دیدید؟

ج: من دیدم که جنگ مغلوبه شده و انواع و اقسام وسایل و اشیاء بطرف

در ورودی اتاق اصلی پرتاب میشود و از چیزهایی که بچشم دیدم

پرتاب شد ماشین تحریر ، ترازوی وزن کردن نامه - صندلی فلزی - و  
میز کوچک و غیره .

س: بسیار خب ، گفتید صندلی فلزی آیا کسی را دیدید که صندلی فلزی  
بطرف پلیس لوئیس لی گاری پرتاب کند؟

ج: بله

س: بسیار خب آیا ایشان در لباس یونیفرم بودند؟

ج: بله بودند .

س: آیا سایر همکارانتان هم در آن روز در لباس یونیفرم بودند؟

ج: بله بودند .

س: بسیار خب ، من به این نمودار اشاره میکنم به حرف (X) ایکس که  
آقای محمد فیاض است توجه کنید . آیا میتوانید بگوئید که ایشان همان  
شخصی هستند که صندلی فلزی بطرف پلیس لی گاری پرتاب کردند؟

ج: بله ، او بود

س: آیا شما شخصا کسی را دیدید که چیزی بطرف شما پرتاب کند؟

ج: بله دیدم ، یکی از این دانشجویان یک کشویی که میدانم از کشوی

فایل ها یا میز بود پرتاب کرد فقط میدانم که یک تکه فلز بزرگ شبیه

کشوی میز بود . و شبی دیگری که توسط یک دانشجوی دیگر پرتاب

شد یک زیر سیگاری بزرگ شیشهائی پایه بلند بود که قطر پایه آن

قریب ۸ اینچ بود .

س: بسیار خب ممکن است بآن شخصی که کشوی فلزی بطرف شما پرتاب کرد  
اشاره کنید یا شخصی که عکسش با حرف "C" نشان داده شده است.

ج: خیر

س: آن شخص فرود پاینده جو است؟

ج: بله

س: آقای پلیس بفرمائید بعد از اینکه در طبقه پائین زد و خورد در گرفت  
آیا شما ناظر و مواظب اغتشاش سایر دستگیر شده‌گان سالن طبقه اول

بودید؟

ج: بله من بودم.

س: در آن موقع دیدید که کسی شیئی را پرتاب کند؟ آیا آقای فرود پاینده  
جو را در حین گستاخی دیدید ما را می‌که در آن اتاق بودید؟

ج: بله دیدم

س: لطفا بفرمائید چه دیدید و او چکار کرد؟

ج: آقای پاینده جو یک سری از کفگیر و سیخ آلات و سایل شومینه که در کنار  
شومینه قرار داشت آنها را بطرف من و همکارم بنام بتی ( BEATTY )  
پرتاب کرد.

س: بسیار خب ، سرکار پلیس من به حرف "W" که آقای عباس بزرگ و  
حرف "EE" که احمد سروری میباشد اشاره میکنم شما بفرمائید وقتیکه  
در طبقه پائین ساختمان جنجالی بپا بود آیا دیدید افرادی که در



سالن و اتاق دیگر بودند مرتکب اعمالی هم شوند؟

ج: بله دیدم

س: ممکن است بفرمائید چه دیدید؟

ج: در حالیکه افراد دستگیر شده‌ها را در کنترل شدید به خارج از کنسولگری

بطرف ماشین میبردند پلیس بتی آقای بزرگ را هم مجبور کرد که با

آنها از اتاق خارج شود آقای عباس بزرگ با پلیس بتی گلاویز شد

در این موقع آقای سروری بکمک آقای عباس بزرگ آمد و او را بطرف

عقب کشید که ببرد بطرف آن اتاقی که هنوز چند نفری در آن بودند

و وقتی که پلیس بتی نتوانست او را از اطاق خارج کند عباس بزرگ پرید

و پلیس بتی را کشید که بیاندازد روی کاناپه که درست مقابل آنها بود .

س: بسیار خوب آیا در آن موقع کاری هم کردید؟

ج: در آن موقع من رفتم بکمک همکارم پلیس بتی که در گیری با آقای سروری

پید کردیم .

س: منظورتان احمد سروری است؟

ج: بله ، من با چاقم به آقای سروری حمله کردم تا از روی همکارم پلیس

بتی پائین بیاید و بعد باو کمک کردم که آقای بزرگ را از میان آن

افراد خارج کند .

س: بسیار خوب بعد چکار کردید؟

ج: او را فرستادم بیرون

س: اگر اشکالی ندارد مجدداً بفرمائید چند نفری در آن اتاق جمع بودند؟

ج: فکر میکنم تقریباً بین ۱۸ تا ۲۰ نفر

س: شما فرمودید که آقای بزرگ همان کسی است که زیر عکسش شماره و حرف

"W" میباشد آیا صحیح است؟

ج: بله، آقا صحیح است

س: حرف "W" برای آقای بزرگ تعیین شده است، بسیار خوب، من اشاره

میکنم به عکسی که با "KK" نشان داده شده است بنام محمد

داورپناه آیا شما ایشان را در کنسولگری در آن تاریخ دیدید و آیا

ایشان جزو دستگیر شدگان بودند؟

ج: بله ایشان بودند

س: حال من به حرف "OO" آقای علی حجت اشاره میکنم بفرمائید به

بینم آیا ایشان هم جز همان افرادی بودند که در روز حمله به کنسولگری

ایران دستگیر شدند؟

ج: بله ایشان بودند؟

آقای دایز: متشکرم سرکار پلیس، آیا سئوالات دیگری هم هست؟

رئیس هیئت منصفه: آقایان آیا سئوالات دیگری هم هست که بوسیله

بازپرس مطرح شود؟

(بدون جواب)

رئیس هیئت منصفه: متشکرم سرکار پلیس ویلیامز

شاهد هم بصندلی خود برگشت

گر گوری آلن بتی ( GREGORY-A-BEATTY )

گر گوری بتی بعنوان شاهد دیگر بدادگاه معرفی شد .

رئیس هیئت منصفه : لطفا دست راستان را بلند کنید و سوگند یاد کنید که تمام اسناد و مدارک که تهیه نموده و در اختیار دادگاه قرار داده تمام و کمال صحیح و درست میباشد و هیچ چیز دیگری جز حقیقت نمی باشد امیدوارم که خداوند مرا یاری کند .

شاهد : بکلیه مطالبی که وسیله شما آقای رئیس هیئت منصفه قرائت شد سوگند میخورم که تمام مدارک حقیقت دارد خداوند مرا یاری کند . باز پرسى بوسیله آقای دایر اجرا میشود .

س : لطفا نام و نام خانوادگی خود را بگوئید در ضمن نام خانوادگی خود را برای درج در پرونده هجی نمائید؟

ج : اسم من گر گوری آلن و نام خانوادگی ام بتی میباشد که هجی آن ب - ت ی - است .

س : شغل شما چیست؟

ج : پلیس شهر و ایالت سانفرانسیسکو .

س : در چه قسمت از اداره پلیس کار میکنید؟

ج: قسمت تاکتیکی

س: آیا شما در روز ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ در استخدام آن اداره بودید؟

ج: بله بودم.

س: آیا شما به تلفنی که تقریباً در ساعت ۱۲:۲۰ بعد از ظهر از کنسولگری

ایران واقع در شهر سانفرانسیسکو میباشد پاسخ دادید؟

ج: بله پاسخ دادم

س: افراد دستگیر شده‌ای در سالن و اتاق اصلی طبقه اول کنسولگری حضور

داشتند آیا شما در آن موقع نگهداری و نگهبانی آن افراد را بعهدہ

داشتید.

ج: بله

س: حال توجه شما را به نموداری جلب میکنم که ..... و از شما

سؤال میکنم که ..... و اشاره میکنم به عکس شماره "C" آقای

فرود پاینده جو بفرمائید به بینم آیا ایشان را در آن سالن دیدید؟

ج: بله دیدم

س: آیا ایشان هم جزو دستگیر شدگان بود؟

ج: بله او هم بود.

س: ممکن است بفرمائید که چه اتفاقی رخ داده که شما آقای پاینده جو را

در مد نظر داشتید و هنوز هم در خاطرتان میباشد؟

ج: خدمتان عرض کنم توجه من بیشتر بخاطر این بود که او خیلی ستیزه

جو و عصبانی و او فریاد میزد او در نزد من خیلی جنگجو شرافرین  
تلقی شده بود زیرا در یک صحنه ایشان تمام ابزار آلات شومینه نظیر  
سیخ و کفگیر و بیل و غیره را بطرف من پرتاب کرد

س: به کجای شما خورد؟

ج: به شانه چیم .

س: سر کار پلیس به بقیه عکسها نگاه کنید و به ببیند آیا کسی دیگر هم

در میان آنها دیده میشود که چیزی بطرف شما پرتاب کرده باشد؟

ج: بله ، حرف "K" که آقای علی وحیدی میباشد .

س: حرف "K" ، آقای علی وحیدی؟

ج: بله ، آقای وحیدی او در توی هال پشت در سالن با من دست به یقه

شد و چند ضربه قوی توی سرو صورتم زد و در خاتمه نزع با پرتاب یک

میز کوچک مرا مجروح کرد .

س: بسیار خب حال حرف "E" را بشما نشان میدهم که آقای محمد علی

آبادی است؟

ج: بله ، آقای علی آبادی هم یک شیئی که شبیه کوزه یا گلدان و یا سرامیک

باشد محکم بطرف من پرتاب کرد سعی کردم جا خالی دهم ولی نشد

و در این نزع پایم شکست .

س: حال عکس دیگری که با حرف "DD" میباشد از مدرک شماره یک به

شما نشان میدهم ایشان آقای ایراج نوید میباشد آیا میتوانید بفرمائید

که ایشان در کنسولگری ایران در آنروز دیده‌اید و ایشان جزو یکی از آن دستگیر شدگانه بوده .

ج: بله ، بله ، خوب بخاطر دارم و هم چنین حرف "W" آقای عباس بزرگ که چند دقیقه‌ای هم با او درگیری داشتم .

س: بسیار خب ، آیا ممکن است شرح بدهید . . . . . من بعکسی که مستقیماً زیر آن عکس است اشاره میکنم ، عکس "EE" با نام آقای احمد سروری میباشد لطفاً به من بفرمائید که به بینم آیا درگیری بین شما و آقایان بزرگ و سروری رخ داده است ؟

ج: قبل از جواب به این سؤال اجازه میفرمائید من صندلی‌ام را بچرخانم ؟

س: بله آقا بفرمائید بنظر میرسد که جایتان ناراحت است ؟

ج: بله ایشان با من درگیری داشتند که از این قرار است ، من داشتم

آقای بزرگ را بطرف ماشین میبردم که به قرارگاه پلیس بروم و او مرتب تقلا و امتناع میکرد در این اثناء آقای سروری از پشت سر به من حمله کرد و با تمام هیکل سنگینش پرید روی شانه‌هایم که عمل او هم وسیله پلیس دیگری دفع شد . اما در این موقع بود که آقای بزرگ بی اندازه مقاومت بخرچ داد . و خیلی عملیات خشونت باری انجام میداد که من مجبور شدم با زدن ضربهای کاری او را سر جایش بنشانم .

س: سرکار پلیس ، حال عکسی که با حرف "Z" نمایش داده شده است

بشما نشان میدهم این شخص آقای فرخ برزین میباشد که با نام مستعار

فرانک - پوزین هم نامیده میشوند آیا ایشان را هم در بین افراد حمله کننده به کنسولگری دیدماید؟

ج: بله

س: آیا او هم در این حمله به کنسولگری شرکت کرده بود؟

ج: بله ، ایشان کاملا در ذهنم میباشد .

باز پرسى بوسيله آقاى اوئن ( MR. OWEN )

س: سرکار پلیس ، در خلال مدتی که شما نگهبان آن اتاق یا سالن یا هر جایی دیگر کنسولگری بودید افرادی که در داخل آن جا دستگیر شده بودند چکار میکردند؟

ج: در بعضی مواقع اقدام به شکستن در و پنجره کردند و دو بار مبادرت کردند به خراب کردن اتاق که از آنها جلوگیری شد . و ما مجبور بودیم آنها را از کنار پنجره دور کنیم و بیک طرف دیگر اتاق منتقل کنیم که اینکار هم بسیار برای ما مشکل بود .

س: بسیار خوب حال بفرماینکه شما توانستید کسی را به آن گوشه اتاق ببرید

ج: بله ، صحیح است .

س: خوب وقتی آنها در آن محل مستقر گردیدند در آن گوشه چکار کردند؟

ج: من خودم چندین بار مورد حمله لگد و مشت . پرتاب اشیاء گوناگون

## قرار گرفتیم

س: آیا آنها وقتیکه در آن گوشه اتاق بودند باتفاق کاری انجام ندادند؟

ج: چراگاهی اوقات شعارهایی میدادند مانند مرگ بر شاه و آنها شعرهای

دسته جمعی بزبانی میخواندند که من با آن زبان آشنائی نداشتم که

بفهم چه میگویند. و آنها شعاری که بارها تکرار میکردند همان شعار

مرگ بر شاه بود که کاملاً در ذهنم باقی مانده است.

س: آیا آنها با دستهایشان کاری انجام دادند وقتیکه در آن گوشه اتاق

بودند؟

ج: مشت‌های گره کرده خودشان را تکان میدادند و فریاد میزدند و

دستهایشان را بالا و پائین میکردند.

س: وقتیکه شما میخواستید که یک نفر مخصوص آنها را از بین آنها خارج

کنید و به ماشین پلیس ببرید تا از آن نقطه به دادگستری حمل شوند

آیا متوجه حمله یا مداخله بقیه افراد قرار گرفتید؟

ج: تقریباً . . . . . تقریباً در هر بار این اتفاق پیش می‌آمد تا اینکه

گروه آنها کوچک و کوچک تر میشد ولی هر بار که یکی از آنها خارج

میشد بقیه آنرا بطرف خودشان میکشیدند و یا شروع میکردند به پرتاب

کردن اشیاء به طرف پلیسها و آغاز زد و خورد مجدد.

س: آیا آنها هیچ دستهای شما را طوری گرفتند که شما نتوانید تکان بخورید؟

ج: اوه بله چندین بار اینکار را کردند.



آقای اوئن : سرکار پلیس خیلی متشکرم

رئیس هیئت منصفه : آیا سئوالات دیگری هم میباشد که علاقمند هستید

مطرح کنید؟

شاهد بصندلی خود ش باز گشت

سرکار پلیس آلن و الاس - فیلیپس ( A-PHILLIPS )

آقای فیلیپس بعنوان شاهد دیگر بدادگاه معرفی شد

رئیس هیئت منصفه : لطفا دست راست خود را بلند کنید و شرافتمندانه

سوگند یاد کنید که هر چه اسناد و مدارکی که تهیه نموده‌اید و هم اکنون

در اختیار دادگاه میباشد، تمام و کمال صحیح و درست است و هیچ چیز

دیگری جز حقیقت نمی باشد امیدوارم خداوند مرا یاری کند .

شاهد : سوگند یاد میکنم که تمام اسناد و مدارک صحیح و حقیقت است

خدایا مرا یاری کن

رئیس هیئت منصفه : لطفا بفرمائید بنشینید در پشت آن میزی که مجهز

به میکروفون است

باز پرسى بوسیله آقای دایر ( DWYER )

س : لطفا نام و نام خانوده‌گی خود را بفرمائید و در ضمن نام خانوادگی

خود را جهت درج در پرونده‌ه‌جی فرمائید .

ج: آلن و آلاس فیلیپس که هجی نام خانودهگی من ف - ی - ل - ی -

پ - س میباشد

س: شغل شما چیست آقای فیلیپس؟

ج: من یک پلیس میباشم .

س: در چه قسمتی از اداره پلیس کار میکنید؟

ج: من در قسمت اداره پلیس ایستگاه ریچ موند میباشم .

س: بسیار خوب ، توجه شما را به ۲۶ ژوئن ۱۹۷۰ جلب میکنم بفرمائید به

بینم آیا در آن روز شما استخدام اداره پلیس ریچ موند بودید؟

ج: بله آقا

س: آیا شما به تلفنی که از کنسولگری ایران واقع در سانفراسیسکو به شما

شد جواب دادید؟

ج: بله آقا

س: آیا شما در آن موقع طبق قوانین رانندگی ماده ۵۸ یک جریمه رانندگی

برای کسی نوشتید که چرخهایش بطرف جدول کنار خیابان نبود .؟

ج: بله نوشتم

س: آیا شما میدانید چه شد . . . . . جنجال . . . . . سر کار پلیس

حال برای تشخیص هویت عکس شماره B - ۵ را به شما نشان میدهم و

از شما سؤال میکنم که آیا آن جریمه را برای این ماشین که نمره اش

ZID- ۲۸۷ میباشد نوشته اید یا خیر؟

ج: بله من نوشتم

س: و آن یک ماشین فولکس واگن استیشن بود؟

ج: بله آقا

س: حال عکس دیگری به شما نشان میدهم که با علامت "A" روی همان

مدرک نمایش داده شده است که در این عکس محل پارک کردن ماشین

را نشان میدهد. شما بفرمائید آیا این ماشین همانجا پارک شده است

که در توی عکس با علامت "A" نشان میدهد.

ج: بله آقا همان را نشان میدهد.

س: بسیار خب، آیا در ابتدا به محض اینکه این ماشین را اینطور دیدید

دستور دادید آنرا با چرثقیل از آن محل به محل دیگری انتقال دهند؟

ج: بله آقا من دستور دادم

س: بسیار خب، آیا چرثقیل آمد؟

ج: بله آقا آمد

س: آیا راننده جرثقیل در ماشین را باز کرد؟

ج: بله باز کرد

س: وقتی در ماشین را باز کرد آیا اتفاق غیر عادی رخ داد؟

ج: وقتی راننده جرثقیل در ماشین فولکس استیشن را باز کرد کنسول یار

دوید رفت بیرون و آن دفترچه ائی را که روی داشبورد ماشین بود

گرفت و این همان دفترچهای است که برنامه حمله به کنسولگری در آن

نوشته شده بود .

س: آیا از او خواستید که آن دفترچه را بشما بدهد؟

ج: بله ، من خواستم دفترچه را از او بگیرم ولی او نداد .

س: بسیار خب ، بدون کسب اجازه او دفترچه را بر داشت ، آیا صحیح

است؟

ج: بله صحیح است ، او دفترچه را بر داشت و دوان دوان بر گشت توی

کنسولگری .

س: بسیار خب ، آیا میدانید او در آنموقع با این دفترچه چه کرد؟

ج: در آنموقع او فرار کرد و بداخل ساختمان کنسولگری به طبقه پائین

رفت در داخل آن اتاقی که یک ماشین کپیه بود و شروع کرد از چند

صفحه اول آن دفترچه کپیه گرفتن .

س: بسیار خب ، بعد از اینکه او از صفحات اول آن دفترچه چندین کپیه

گرفت آیا آن دفترچه را بشما پس داد؟

ج: بله آقا

س: بعد از آن که دفترچه را پس گرفتید آیا شما آن دفترچه را به منزله مدرک

نگهداشتید؟

ج: بله آقا ، آنرا برای مدرک نگهداشتم .

آقای دایر : سر کار پلیس از شما تشکر میکنم من دیگر سئوالاتی ندارم .

رئیس هئیت منصفه : آیا کسی سئوالات دیگری هم دارد که مطرح کند؟

( بدون جواب )

آقای دایر :

س : سر کار پلیس ممکن است بفرمائید چرا آن اتومبیل بخصوص در این ماجرا دستور جابجا شدنش را دادند؟

ج : بخاطر اینکه آن ماشین وسیله کاپیتان شاین (SHINE) و پلیس پری (PERRY) شناسائی شده بود و به من گفته که دانشجویان در این دمونستراسیون این ماشین استفاده میکردند و احساس کرد که صاحبش آن روز قادر نخواهد بود که بیاید ماشین را ببرد .

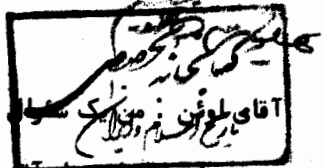
س : بسیار خب ، ممکن است توضیح بفرمائید که وضع چرخهای ماشین چطور بود؟

ج : خوب چرخهای ماشین باید در موقع پارک کردن بازایه به لب جدول چسبیده باشد در صورتیکه چرخهای آن رو به خیابان بود .

س : بسیار خب میتوانید ، آیا میتوانید ..... به عقیده شما آیا آن ماشین به هجوی که توضیح میدهید در آن محل پارک شده بود؟ آیا خطراتی متوجه ماشین یا راننده آن میشد چنانچه در مدت معین نیاید و ماشین را نبرد؟

ج : بله آقا

آقای دایر : بسیار خب متشکرم من سئوالات دیگری ندارم



آقای لوئین: من یک سوال دیگر برای سرکار پلیس دارم.

باز پرسى بوسيله آقاى اوئن ( OWEN )

س: آیا یادتان می‌آید در آنروز ساعت تقریباً چند بود وقتی که شما به آن جا وارد شدید؟

ج: تقریباً ساعت ۳:۲۰ بعد از ظهر بود که من وارد شدم.

س: وقتیکه شما وارد شدید آیا آنها داشتند افراد دستگیر شده‌ها را در ماشین سوار میکردند؟

ج: خیر آقا

آقای اوئن: سرکار پلیس از شما خیلی تشکر میکنم - سؤال دیگری ندارم  
رئیس هیئت منصفه: آیا سئوالات دیگری هم است که آنرا در دادگاه مطرح کنیم؟

( بدون جواب )

رئیس هیئت منصفه: سرکار فیلیپس از شما خیلی متشکرم.

شاهد به سر جایش برگشت.

ختم دادگاه اعلام شد.

ادامه محاکمات و نتایج حکم دادگاه بزودی در جلد دیگر این کتاب

منتشر خواهد شد

" پایان "